

جمهوری اسلامی
یکشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۰

رفتی و با عاشقان ملحق شدی

جلوهای از آن حق مطلق شدی



امام جمعه ما به لطافت گل بود و به ملاححت

«دیدها بارد
سینهها نالد

دستغیب صد پاره شد، دیگر
نمی آید
خطبههای جمعه را دیگر
نمی خواند»

امام جمعه ما به لطافت گل
بود و به ملاححت نسیم سحری و
به مهربانی باران بهاری.

امام جمعه ما به پاکی سپیده
بود، مثل نور جاری بود. آوای
الهی او «حسین حسین» او،
صدای پای باران بود بر قلب تفته
کویر، روح امام جمعه ما جوشش
چشمه سار عشق بود بر سنگواره

قنات دل. امام جمعه ما، پیر
دیباها بود، نماینده امام بود.
نمایانگر امام بود. عاشق امام
بود. امام جمعه ما دیگر نمی آید.

دیگر کوجهای باریک پشت
مدرسه خان، صدای آشنای ما را
نمی شنود. دیگر قلب خاک با
لرزه نرم پای او از شوق بی تاب
نمیشود. دیگر گل و سنگ کوجه
آواز نمی خواند. خطبههای جمعه
آمیزه مهربانی و خشم بود، تبسم
و فریاد، مسخ و محمد (ص).

«سلام خدا بر شما مردم،
جانم به فدای شما مردم شما که
با تبعیت از امام است اطال الله
عمره، عزت و افتخار آفرینداید.»

«سنگ و نقرین بر شما
منافقین، تنگ بر آمریکا، که هر
روز با توطئه های تازه در صدد
نابودی انقلاب الهی ما
برآمدند.

امام جمعه ما خطبههای جمعه
را دیگر نمی خواند. امام جمعه ما
نماینده امام بود، عاشق امام بود،
محبت امام مثل شهد در جان
آمیخته شده بود؛ «اینکه ما امام
را دوست داریم، اینکه بجههای
چهارده پانزده ساله، اینگونه
عاشق امامند، خود این دوستی و
عشق و علاقه هم از امام است.
بجهها که امام را نمی شناسند،
منتهی آینه دلشان پاک است.
زنگار نگرفته، امام روح قدس
دارد. عبد صالح خداوند است.
روح قدس امام بر اینه دل بجهها
می تابد و اینها مشتاق و بی تاب
می شوند. امام هوای خود را
رضای خدا قرار داده، هوای او
هوای اهل بیت علیهم السلام

است. امام فانی در امام زمان
سلام الله علیه است. امام زمان
فانی در خداست... تجربه
کردم، هیچگاه نشد به زیارت
آیتالله دستغیب بروم و ایشان از
امام نگویند.

او هیچ وقت لفظ امام را تنها
به کار نمی برد. همواره میگفت
«حضرت امام اطال الله عمره» هر
وقت صحبت از امام میشد، پیر
سهریان دیباها ما چهره اش
برافروخته می شد، بر چشمانش
گلخند اشک می نشست. گوئی
اشک و ملاححت تبسم همیشه اش
جانم را آتش میزد.

دو تن از یاران و شاگردان
عزیز او دو تعبیر دارند که نفر
است و پر لطف. آقای مسوحد
می گفت: «اگر این تعبیر درست
باشد، آقای دستغیب فانی در
امام بود.» آقای سیدعلی اصغر
دستغیب روحانی عزیز و دلسوز
شهر ما میگفت: «باتفاق آقای
دستغیب که به حضور امام
رسیدیم، بر خورد ایشان و حالت
ایشان مثل حالت عبد بود نسبت
به مولایش.»

بجهها هر وقت دلشان برای
امام تنگ می شد، به دیدن آقای
دستغیب می رفتند.

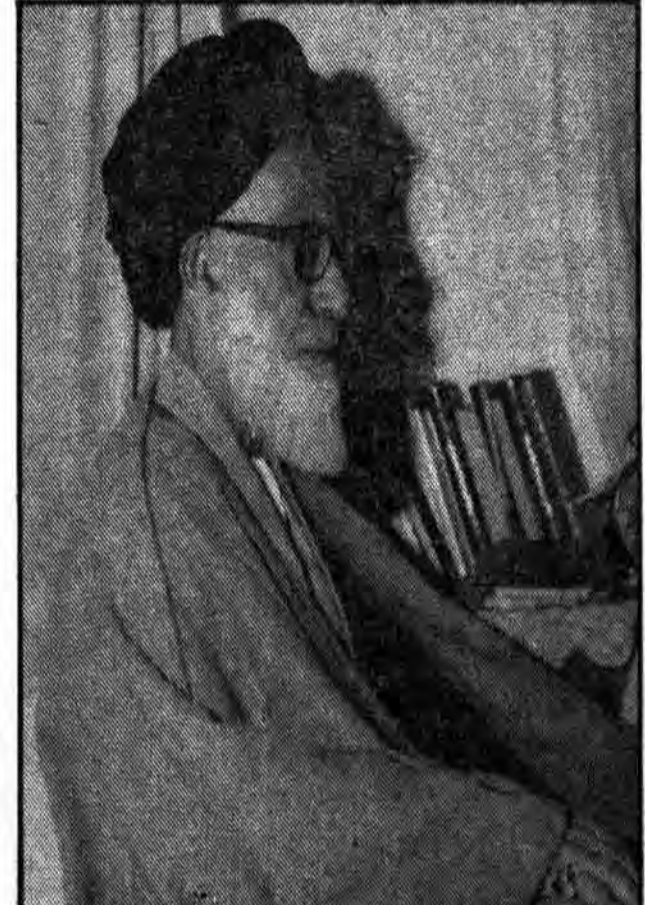
نزدیک گود عربان، پشت
مدرسه خان کوجهای بود که
ماشین نمی توانست از آن کوجه
رد شود. کوجه مثل عشق ساده و
پاک و بیچای بود. گل مراد
بجهها در آن خانه می شکفت که
مثل چراغ در میان خانههای گلین
مردم معروف می سوخت. مردمی
که بریان فقر و محرومیت خود
بودند. وقتی آنجا می آمدند:
«اینجا خانه آیتالله دستغیب
است؟»

عجب! آرامش بر جانشان
حاکم می شد. آقا را درد آشنای
خودشان می دانستند.

خانههای دیگر هم بود که
تنها با ماشین می شد رفت، اما
مردم پروانه خانه گلینی بودند
که تنها با ماشین نمی شد آمد.
سرباز امام خمینی فرجیعلی
حبیبزاده در نماز جمعه سه
هفته پیش گفته بود: برای

سلامتی خمینی شهرمان صلوات.
و آقا به سرباز امام خمینی گفته
بود: دیگر این جمله را نگوید.
سرباز امام خمینی که پیکر
درد کشیده اش در کربلای ظهر
جمعه مثل گل ورق ورق شد،
عاشق و شهیدای امام بود. شکل و
شمایلی میرزا کوچک خسان را

بود. دست راستش را جوروی
مشت کرده بود که انگار مسلسل
دردست دارد. سینه اش مثل ماشینی
بود. غسل او را می شست و
صدای حسین، حسین قلبها را
آتش میزد. سرباز امام خمینی
بود. آنچنان حسین حسین
میکرد که گفنی الان قالب تهی



می کند. ضجه می زد و بر سرینه
می کوفت. حسین حسین، حسین
حسین، غریب کربلا حسین،
حسین حسین، حسین حسین
شهید نینوا حسین..... سرباز
امام خمینی همه جا بود. در همه
مراسم تشییع شهید، در تمام
راهپیمایی ها، در سپاه، در جهاد،
در بسیج.

سرباز امام خمینی سوخته
اسلام بود و برشته انقلاب
و شهیدای امام....

عصر پنجشنبه ۱۹ آذر وقتی
به شیراز رسیدم، به دکتر شماعی
تلفن زدم که دیدن آقا برویم.
بعد از اقامه نماز در مسجد
آشپها به منزل آقا رفتم.
در میان خانههای گلین خورشید
خانه کرده، صدای پای مهربان
او، به مردم محله آمد میباید.
تبسم همیشه او، ملاححت تاپ او،
نگاه نجیب او مثل باران، قلبهای
مضطرب و تفتیده را آرام میکرد.

داشت: موی بلند، محاسن سیاه و
سفید بلند، چشمانش شکسته
بود. هیچوقت نمسی شد و
توانستم درست در چشمانش
نگاه کنم. برغم موی بلند و
پرشانش، چهره اش آرام و عمیق
بود. لباس نظامی کهنه ای به تن
میکرد. روی قلبش، بالای جیب
در پلاستیک نوشته بود «سرباز
امام خمینی» حدود چهل و پنج تا
پنجاه ساله بود. قبل از انقلاب در
راهپیمایی سقایی میکرد.
اخیرا ضبط صوت خریده بود
با یک بلندگو دستی.

همه سرسپاهش همین بود.
سردهای انقلاب و سخنان امام
را پخش میکرد. در نماز جمعه
شعار میداد.
یگبار تابلو بدیعی بود، رحیم
رضائی زاده را که شهید شده بود
در خانه اش می شنیدند.
پیکر رحیم شاداب و پر طراوت

دزدیم، جباری در را باز
کرد. دیده بوسی کردم. جباری
پاسدار همیشه آقا بود، خطش
کاملاً سبز نشده بود. گرم
خندید. در کربلای ظهر جمعه با
صدای انفجار جباری آقا را
در آغوش میکشد: از جباری تنها
سرش مانده بود.

جسم خاک از عشق بر افلاک شد
کوه دررقص آمد و چالاک شد
عشق جان طور آمد عاشقا
طور مست و خرموسی صفا
- آقا هستند؟
- دعا میخوانند
- خب ما چکار کنیم؟
- یک دقیقه صبر کنید،
ببینیم.

جباری از پلهها بالا رفت
- آقا دارند الان صحبت
میکند، برویم.

دور تادور اتاق شهیدان نشسته
بودند. شب عاشورای شیراز بود.
آقا برخاسته بود که شانه اش را
گرفتم. از بهار شکوفاتر بود. از
باران پاکتر بود. بسوی گل
مستان کرده بود.

امام جمعه دستار سبزش را به
سر بسته بود. پیدا بود تازه از
حمام آمده بود. بالهای دستار را
به گونه ای رویهم انداخته بود.
یک هشت از میانه بالای پیشانی
شروع میشد و دوبار ویش از کنار
ابروان میگذشت.

باخته گفت: «خب چه
کردید؟»
- قرار شده وزیر کشور عوض
شود.
- کار خوبه! چرا اینقدر
معتدل کرده اند.
- کی وزیر میشود؟
- ناطق نوری
- بگوتید زود تر استاندار
بفرستند.

آقا سرحال و خوشحال بود.
بقیه صحبت ما را گوش
میدادند.

حاج عبداللهی، جباری....
«دور تادور اتاق نشسته بودند.
خدایا چه کرشمه ای در کار توست
که شهیدای عاشورای شیراز امشب
گرم حلقه عشقند و از زبان جگر
سوخته علی علیه السلام میخوانند
زاری کنند.

حاج عبداللهی یار دیرینه آقا
بود. در سفر و حضر همواره همراه
آقا بود. قبل از پیروزی انقلاب و
پیش از تبعید آقا حاج عبداللهی
به کارهای آقا میرسد. آقا را
در باغی بالای قصرالدشت مخفی
میکرد.

پیدا بود در آن محفل روحانی
ما غریبه بودیم. و هر خشت و
گلی لوله و مرجان نشود. آن فضا
چنان آمیخته به محبوب بود که
تنها شهیدای عاشورای شیراز
می توانستند در فضایش دم
بزنند. ما خدا حافظی کردیم. آقا
برخواست، در چشمانش مثل
همیشه شکوفایی خنده ترمسی
بود.

«پسرجان! باید باورت بیاید
که حضرت امام اطال الله عمره
نائب امام زمان، سلام الله علیه
است. تصور کن با امام زمان
چگونه باید رفتار کرد؟ احترام به
امام، احترام به امام زمان
سلام الله علیه است. احترام به

امام زمان، احترام به خداوند
متعال است. می خواهی عزت پیدا
کنی؟ عزت در تبعیت از امام
است.»

حال، شهیدای عاشورای
شیراز، کمیل می خوانند....
وباساکنک التی ملات ارگان گل
شی.....

ظهر فردا آنچنان تا بردوست روح
ملکوتی شان پرواز میکند که
حتی جسم نیز یکباره مثل هزار
هزار پروانه به سوی گل مراد پسر
می کشد.

یاسادی و مولای اقسام
صادقالتن تزکتنی ناطقاً ضجن
الیک ضجیح الاملین ولا صرخن
السبک صراخ المستصرخین
ولا بکین علیک بکاه الفاقدین....

شهیدای عاشورای شیراز در راز
ورمزشان با محبوب در آینه
چشمان دستغیب، دعای کمیل
او چراغی بود که در تارکینها شعله
می کشید رژیم شاه تلاش بسیار
داشت که فرهنگ فحشاء
رادر شیراز حاکمیت بخشد جشن
هنر تظاهر فرهنگ شاهانه بود.

در تیرگی و تغفن جشن هنر که
بسیاری روشن فکران ناراضی
امروز سردر آخورش داشتند
دعای کمیل شهبای جمعه مسجد
جامعه مثل ستاره می درخشید
همین الان مسجد جامع باشما
حرف میزند گوش کنید آوای
الهی پیردیار مادر گوش جان
خشت و گل مسجد نشسته.

او خود هنگام ساختن، سنگ
می آورده گل می آورده، غرق
خاک و گل نماز جماعت
می خوانده چگونه می شود مسجد
که محراب بزرگ دستغیب بود،
فراموش کند....

«حرکت قدرتک ولا یسمنک
الفرار من حکومتک...
کجا می خواهی بروی؟
از حکومت خدایم خواهی فرار
کنی؟»

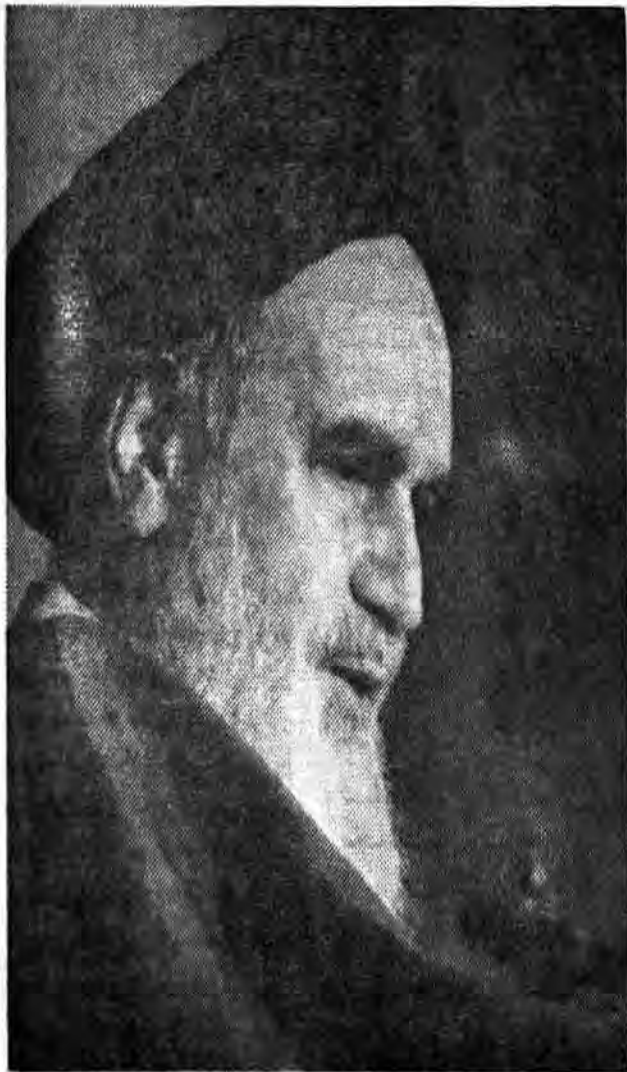
آی خدا مامعصیت گساران
بدر گاهت باروی سپاه به استغفار
آمده ایم تو کرمی تو عزیز می همه
بسگویند بسگویند الهی السعفو
العفو....

انگار همین دیروز بود باتفاق
دکتر خاتمی و چند نفر از برادران
پاسدار به منزل آقا رفتیم. ظرفی
از نقل بادامی کنار دست آقا بود.
گفت بفرمائید بجهها خندیدند
اها! می خواهید خودم بدهم؟
آنوقت آقا مشتش را بر از نقل
می کرد و به یک یک بجهها داد.
حضور او حضور محبت بود خدایا
منی شود انسان این قدر پاک
باشد؟ اینقدر لطیف باشد؟

دکتر خاتمی
گفت: «آقا عرضی خدمتان داشتم
یک ششالی برای ما مطرح شده
و آن این است که مسائلی که ما
اصحاب امام زمان سبند و سبند
نفرند هر وقت چنین تعداد آماده
شود، امام زمان ظهور می کنند.
حالا واقعا در شرایط فعلی چنین
تعدادی آماده نیست؟ آقا خندیدند
یک حکایت برایتان بگویم، بعدش
هم یک روایت، اما حکایت: چهل
پنجاه سال پیش در نجف بسین
علماء همین مساله مطرح شد
عدهای می گفتند چگونه بین بیش
از سه هزار روحانی ۳۱۳ نفر پسر



امروز بدنبال فتح عظیم در غرب و شکست مفتضحانه دشمنان اسلام این جنایت بزرگ واقع شد



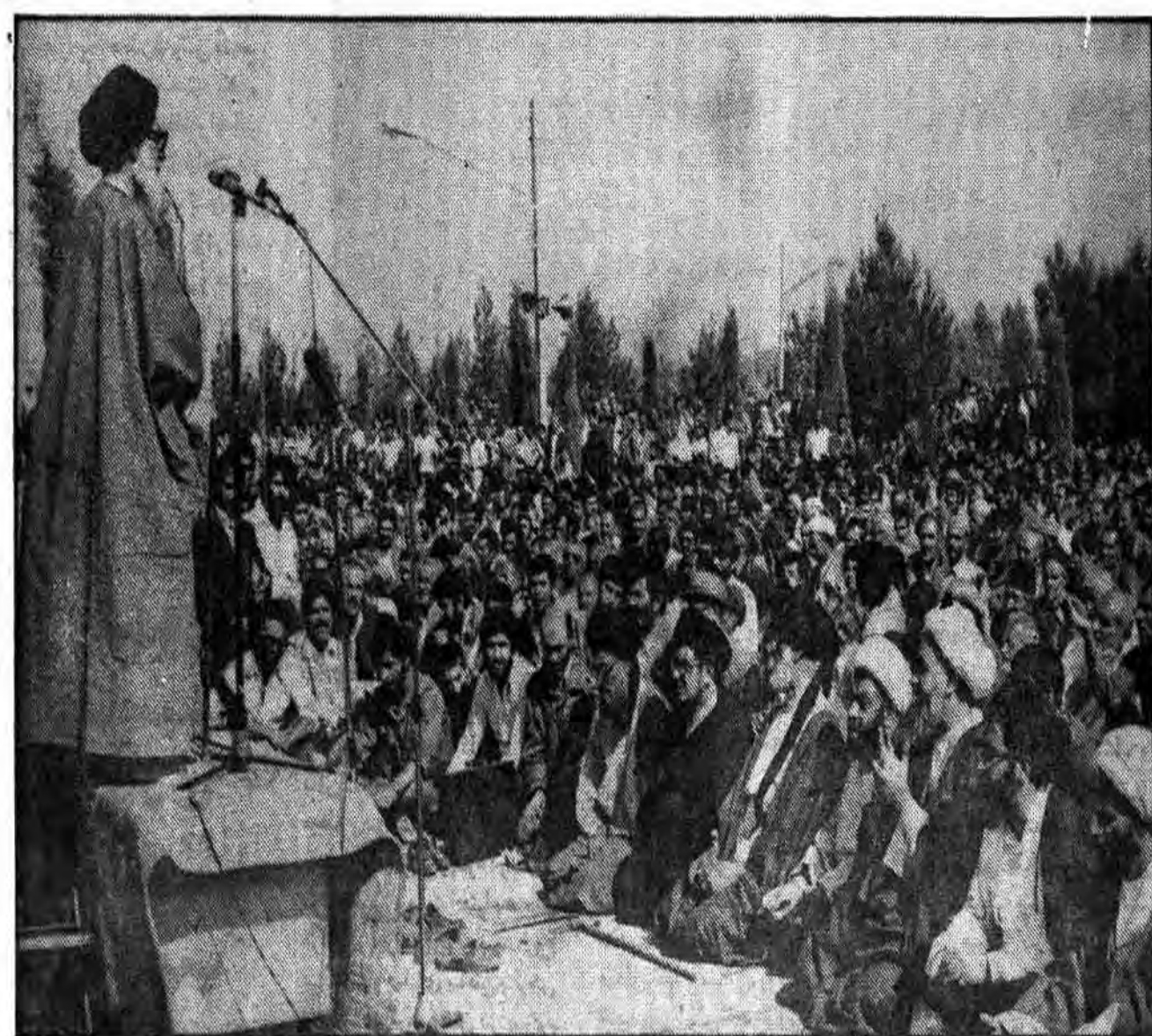
و عظمت خلق می نمایند. بطوریکه تاب تحمل این پیروزیها را از آمریکاییان خارج و داخل، منافق و منحرف سلب نموده و بر جنون و وحشیگریهای آنان افزوده است. شما قرصاً شهید بهشتی را گناهکار بدانید شهدای دیگر مثل شهید مدنی و شهید دستغیب که جز تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشته اند. با چه انگیزه شهید می کنید شما بگمان خود اگر اینان را بجرم وفاداری از محرومان و مظلومان مستحق قتل میدانید اطفال معصومی که در گهواره جای دارند و زبان باز نکرده اند چه گناهی دارند جز آنکه اطفال مسلمانانی هستند که مخالف سلطه آمریکا بجان و مالشان می باشند.

امروز روز جمعه و نماز و عبادت، دست جنایتکار آمریکاییان یک شخصیت ارزشمند که مرئی بزرگ و عالمی که مرئی بزرگ و عالمی عامل که گناهش فقط تعهد به اسلام بود از دست ملت ایران و اهالی محترم فارس گرفت و حوزوهای علمیه اهالی ایران را به سوگ نشاند. حضرت حجت الاسلام والمسلمین شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب را که معلم اخلاق و مذهب نفوس و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی بود با جمعی از همراهانشان به شهادت رساندند. و خدمت خود را به ابر قدرت و ابر جنایتکار زمان ایفا کردند به گمان آنکه به ملت رزمنده ایران آسیب رسانند و آنانرا در راه هدف به سستی بکشند. این گوردلان نمی بینند

بدنبال شهادت آستان... دستغیب از سوی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیامی به این شرح فرستاده شد.

بسم... الرحمن الرحیم. انالله وانا الیه راجعون. شهادت برای فرزندان اسلام و ذریه پیامبر عظیم الشان صل... علیه و آله و اولاد فاطمه علیها سلام و یادگاران حسین سلام... علیه در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیر عادی و پدیدهای غیر معهود نیست.

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرای افتخار آمیز کربلا و در طول تاریخ پر ارزش سرخ تشییع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل... تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیده سعادت مند مستثنی نیست. و انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از این شهدایان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیز با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران اولیاء عظیم الشان، صفیهای طولانی از شهدایان در راه دفاع از حق عرضه می دارد. از علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت تا فداکاران و سربازان در جبهه های دفاع از حریم مقدس اسلام. پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط مباحثات می کند، مطمئن هستیم به فداکاری این عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهدایان محراب و وسنبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها



بر مجاهدان بزرگوار اسلام و درود بر رزمندگان غرب و جنوب و تنهیت بر نیروهای نظامی و مردمی پیروزی آفرین در جبهه غرب. از خداوند تعالی پیروزی نهائی لشکر اسلام را بر قوای شیطانی مستلث می نمایم.

والسلام علی عباد... الصالحین روح... الموسوی الخدیمی ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰

جنایت بزرگ واقع شد آیا اینها همه بنا به اتفاق است یا حساب شده و دیکته شده عمل می شود.

این بزرگان و علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست آمریکا در منطقه و صدام آمریکایی در جبههها از دست میدهم. رحمت خداوند بر این مجاهدان عظیم الشان که

که در هر شهادتی و در هر جنایتی ملت متعهد به اسلام و کشور مصمم تر و در صحنه حاضر ترند. اینان پس از مبارزان شهرها در جنوب و غرب و قتل عامهای فجیع مردم بی پناه فریاد جنگ، جنگ تا پیروزی را نشنیدند که ملت وفادار شهادت را در راه خداوند با آغوش ستند. یا می خواهند شکستهای لشکر کفر را و آتشی که بجان دوستان

نسیم سحری

امام زمان پیدانمی شود. قرار گذاشتند فردی را انتخاب کنند که بهترین آنان باشد. با امام زمان علیه السلام در این مورد صحبت کند.

فرد منتخب در مسجد اعتکاف نمود، دعا خواند، ندبه کرد. چند روزی گذشت سحر در خواب دید، وارد شهری شده جمعیت آمده بودند. او را بردست گرفتند و باسلام و صلوات بداخل شهر بردند. جمعیت اظهار شادی می نمودند. به شیخ گفتند سلطان مامرد و تواز امروز سلطان مایی. او را به قصر بردند لباس شاهانه بر تنش پوشانند، سفره چیدند. غذاهای رنگارنگ و خوشمزه (حالا آقای دستغیب دارد گرم می خورند) آشپخ هم حسابی خورد. ملکه را آوردند، ملک و ملکه به جلوه رفتند. مدتی نگذشته بود که در زدند. تق تق... گفت کیه؟ گفتند: آقا امام زمان ظهور کرده و فرموده به شما بگوئیم که بیایید. قدری سرش را خاراند، امام زمان هم وقت پیداکرده بگوئید بگذارید صبح بشود. دوباره در زدند که بیا، گفت نمایم.

از خواب بیدار شد. در گوشه مسجد عجاله شده بود، وضعیتش خوب نبود. آفتاب زده بود. دستی زد تسوی سرش. خاک بر سرش وای بر من...

اما روایتی یکی از دوستان از حضرت امام صادق علیه السلام از خراسان به زیارت امام آمد. امام از وضعیت شیعمان در خراسان پرسید. بسیار تعریف کرد و بعد شیعه خراسانی گفت: با این همه یاران شما چرا قیام نمی کنید؟ در گوشه خانه برای پختن نان تنور را آتش کرده بودند. تنور زبانه می کشید. هارون مکی آمد امام فرمود هارون برو داخل تنور، هارون پاره نه دودید، بسوی آتش و در آتش نشست. رنگ از رخسار شیعه خراسانی پرید.

جزع کرد چرا چنین کردید؟ بعد از مدتی امام به هارون گفت بیرون بیاید. هارون خاکستر جامه اش را تکاند و بیرون آمد. امام پرسید. چند نفر مثل هارون در خراسان هست؟ گفت هیچکس!

ما هستیم که باید ظهور کنیم نه امام زمان. ظهور ما وقتی است که تزکیه بشویم. جانمان را از آلابش پاک کنیم. مثنوی قصه خوبی دارد، بین نقاشان چین و روم مجادله بود که کدامیک نقاش ترند. قرار شد مسابقه بگذارند. مثلاً اتاقی را مثل اینجا مابینش دیوار کشیدند و هر کدام در یک طرف دیوار روبرو را قرار شد نقاشی کنند. نقاشان چینی شروع کردند به رنگ آمیزی و نقش و نگار، رومیها تنها صیقل می زدند. مدتها گذشت. چینیها غرق رنگ و گل و گیاه بودند و رومیها مست صیقل، روز امتحان رسید. دیوار را برداشتنند، چینیها آنچنان نقش و نگار آفریده بودند که چشم خیره می شد، اما وقتی به مقابل نقاشی رومیان رسیدند، انگار گل و گیاه و آب و ایر جان داشتند. انگار در

تابلو برگ می لرزید، گل می شکفت و... تزکیه این چنین است. انسان باید جانش را پاک کند. در آن صورت آینه ای می شود که زیباییها را جذب می کند و زیبایی را منعکس می نماید.

سالها پیش برخی او را متهم به صوفیگری می نمودند و این اواخر مقام طلبش می دانستند. وقتی می شنید که اصحاب آهن و سیمان، که آینه وجودشان تنها و تنها مشکلات و نابسامانیها را منعکس می نمایند، فریاد برمی داشت: «حالا موقع این حرفهاست؟»

جانش از زده اینگونه ناتمامان بود. بقول روزبهان بقلی شیرازی: «آه از دست این شوخان بی رسم، چه دلشای سنگین دارند تا تخم جفا در زمین بی وفا کارند. این بدسگالان... دود چراغ خوردند. خواستند که تظلم مشایخ بیابند و همچون ایشان به گرامات مشهور و معروف شوند. مامولشان جز رعناهی نبود از آن درجات قوم محبوب شدند. ندانستند که ریاست ایشان کسی نیست زیرا که به حلبه کبریاء حق ملتس بودند. چون ندانستند که «و اذ لم ظن یهدوا» به فسیقولون هذا افک قدیم رسم علم در پیش گرفتند و صورت علم آن عزیزان را ظن می زدند اجابت دعوت هواه نفس کردند تا در اسر شیطان بماندند و به جباله ضلالت در افتادند. استخوذ علیهم الشیطان فانسیم ذکر الله...»

گل شکفته آینه الله دستغیب توده های محروم را مست می نمودند. و بر چشم بدخواهان که خود را «پیشوای مردم» می دانستند، خار می نشست. شهادت مظلومانه او و یارانش نشان داد که دستغیب حتی در شهادت هم قامتی افرشته تر دارد. آنچنان گل وجودش پرپر شد، که برگ های گل را تا صد هاستر آنطرف تر هم می شد دید.

«ای جوهر سبوحی! در سلک حدث چند باشی؟ ای مرغ قدوسی، بر کنگره کبریا چند بر نهی؟ خفقان موسی در هاویه عشق انداز، تا در عشق همرنگ جان عیسی شوی.»

اگر به شیراز آمدید، در کوچه های گلین پشت مدرسه خان خورشید به خون نشسته، اگر گلهای نرگس را دیدی که چشمشان مست اشک است، اگر دیدی بنفشه ها بی تابند، اگر دیدی نارنج عطر خون گرفته، اگر دیدی سنگ و گل کوچه آواز می خوانند، به کربلای شهر ما آمده ای. چشمشان لبریز اشک مردم با تو سخن خواهند گفت و: آن گل سرخ است تو خوشنمخوان مست عقل است تو سجنونش و چه بنویسم؟

گفتم ای دور افتاده از حبیب همجو بیماری که دور است از طبیب... والسلام

اظهار نظر شخصیت‌های مذهبی و مسئولین کشور

پیام آیتا... منتظری به مردم فارس

قم- خبرنگار جمهوری اسلامی- این پیام از سوی فقیه عالیقدر حضرت آیتا... منتظری به مناسبت شهادت عالم ربانی آیتا... دستغیب شیرازی خطاب به مردم فارس منتشر شد.

انا لله و انالیه راجعون- اهالی محترم فارس ایدم الله ترورسیم کور آمریکائی در روزهای آخر خود دست به جنایت دیگری زد و چهره خبیث شیطانی خود را بیش از پیش آشکار نمود. ترور ناجوانمردانه عالم مجاهد حضرت آیتا... دستغیب به اتفاق چند تن از پاسداران در مسیر نماز موجب تأثر عمیق و نگرانی عمومی شد. سرمداران منحرف و وابسته این جریانات رو به زوال به خیال خام خود میخواهند با این گونه جنایت از تأثیر روحی فوق‌العاده پیروزی‌های مهم و همه روزه اخیر رزمندگان شجاع ما در جبهه‌ها بر ملت مسلمان ایران کاسته شده و چند صباحی دیگر رژیم مژدور صدام به اشغال کشور ادامه دهد آنها از درک رشد فکری و سیاسی که ملت مسلمان ما به آن نایل شده عاجزند آنها نمی‌دانند ملتی که با الهام از مکتب و تأثیر اولیاء و ائمه اطهار علیه‌السلام عشق به شهادت دارد از هیچ حادثه و مصیبتی خوف ندارد.

اینجانب شهادت تأسف‌انگیز این عالم بزرگوار و شخصیت ارزنده را به حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه و مقام محترم رهبر انقلاب و روحانیت معظم و اهالی شریف فارس و بیت محترم و خاندان معظم دستغیب تبریک و تسلیت میگویم. رضوان و درجات معنوی برای ایشان و صبر شکیبایی و اجر جمیل را برای بازماندگان و خانواده محترمشان از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمتا...

۶۰/۹/۲۰ حسینعلی منتظری

پیام رئیس جمهور بمناسبت شهادت آیتا... دستغیب خطاب به مردم استان فارس

در رابطه با شهادت آیتا... دستغیب از سوی آقای خامنه‌ای رئیس جمهور پیامی به این شرح خطاب به مردم استان فارس فرستاده شد.

بسم الله الرحمن الرحیم
یا اینها النفس السمعتنه
ارجعی الی ربک راضیه فادخلی فی عبادی. و ادخلی جنتی.
مردم دلیر و مقاوم فارس برادران و خواهران انقلابی شجاع آیتا... حاج سیدعبدالحسین دستغیب این روحانی مبارز و پرهیزگار بدست جنایتکاران و دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب شهید شد و شما بیش از هر کس می‌دانید که او شخصیت مقیم و ارزشمند برای عالم اسلام بود آنان که از سوابق زندگانی این شهید بزرگوار آگاهند می‌دانند که او از نخستین کسانی بود که پرچم تبلیغ انقلاب اسلامی را در سخت‌ترین شرایط در استان فارس برافراشت و بر مسابری و مجامع نام امام امت را بر زبان

اسلام و از یاران باوفا و مهربان امام امت امروز در شیراز همراه تنی چند از یاران و شاگردان خویش در راه اسلام و قرآن به شرف شهادت نائل آمدند. شهادت این عالم ربانی و سید بزرگوار سند دیگری است بر پلیدی و ناپاکی روح و ماهیت رسوایی‌هایی که بقای خود را در فناء مردان خدا می‌جویند. اما هر چه بیشتر در این راه گام برمی‌دارند رسواتر می‌شوند و صفوف مردم را در جهت حفظ دست‌آوردهای انقلاب و ادامه راه شهیدان مستحکمت می‌کنند خفاشانی که چشم دیدن پیروزی‌های امت شهیدپرور ایران را ندارند زهر حقد و کینه خود را با کشتن چهره‌های محبوب و مردمی به کام انقلابیون می‌ریزند، تا کام دشمنان خلق

شهادت آیتا... دستغیب به محضر امام خمینی

از سوی آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران بمناسبت شهادت آیتا... دستغیب پیامی به این شرح به پیشگاه امام امت ارسال شد.

محضر رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله‌العالی در آستانه پیروزی بزرگ رزمندگان جان بر کف

آمریکا را که بگمان باطل خود میخواهد انتقام اربابانشان را از ملت ایران بگیرند همچون گذشته نقش بر آب خواهد ساخت این جانب از سوی دولتست جمهوری اسلامی ایران شهادت مظلومانه این عالم ربانی و روحانی جلیل‌القدر را به پیشگاه حضرت بقیا... الاعظم ارواحنا فداه و به حضرت عالی و خانواده آن مرحوم و مردم دلیر فارس تبریک و تسلیت گفته و برای تجلیل از مقام ایشان فردا شنبه ۲۱ آذر ماه را در سراسر کشور عزای عمومی اعلام میدارم.

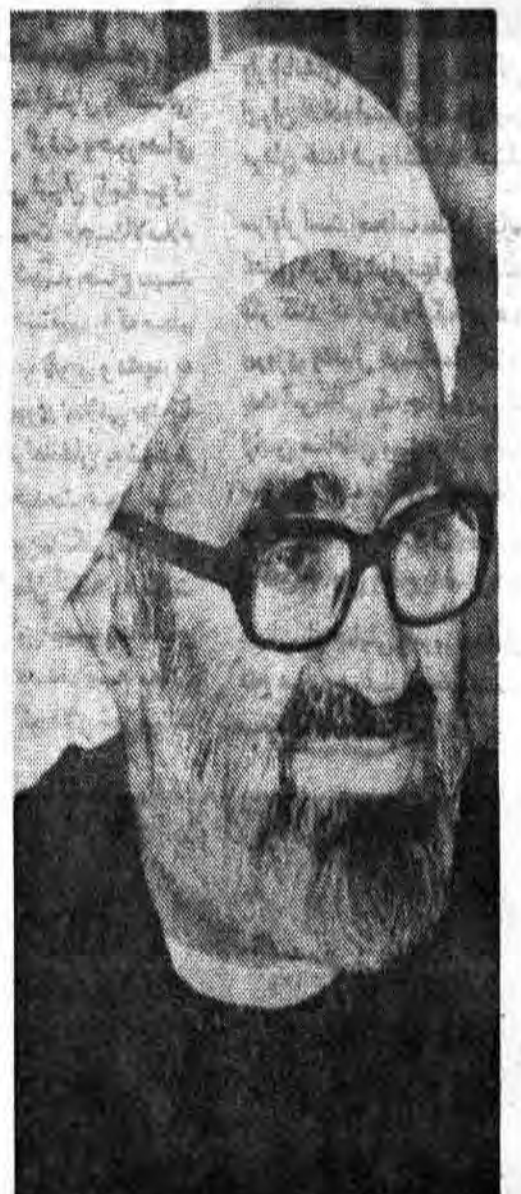
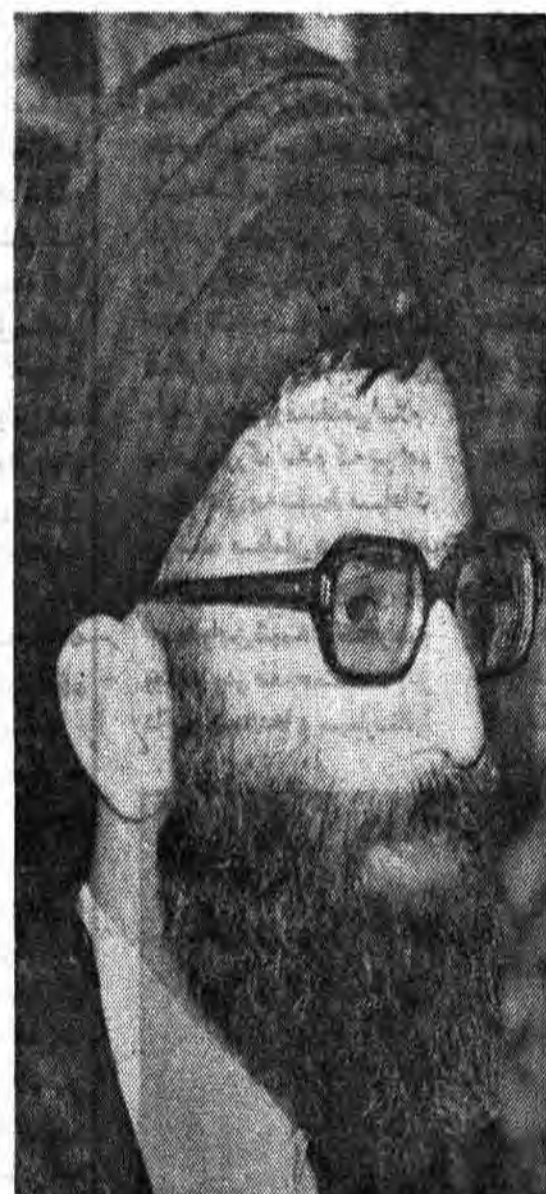
میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای معاد یخواره

بی‌تردید آیتا... سید عبدالحسین دستغیب یکی از تکیه‌گاههای مردم مسلمان و انقلاب و جمهوری اسلامی بود این منافقین قصد دارند در مسیر اجرای فرمان الهی خائنانه سد ایجاد نمایند غناقل از اینسکه سرعت و حرکت عاشقان... هر روز پرخروش‌تر و عظیم‌تر خواهد گشت.

روح بزرگ شهدای این انقلاب و روح بزرگ شهید آیتا... دستغیب الان این انتظار را از ما دارند که به هر وسیله ممکن خط دشمن را شناخته و آنرا خنثی نمائیم.

این انقلاب از بحرانهای سیاسی و اقتصادی و جنگ و درگیری ضربیه نخواهد خورد با بررسی‌هایی که کرده‌اند این نظام دارای وزنها و توازن‌هایی



است که آنرا حفظ میکنند و آن ائمه جماعتها هستند که آنها ضدانقلاب را به مردم شناسانیده و آنها را مایوس میکنند لذا ضدانقلاب به این فکر افتاده که این لنگرها و تکیه‌گاهها و نقطه‌های امید و اتکاء را از مردم بگیرند.

حجت‌الاسلام معاد یخواره در مورد خاطره خود از آیتا... دستغیب اظهار داشتند من آیتا... دستغیب را بعد از ۱۷ شهریور در زندان تهران دیدم و با تعدادی از برادران بسیار متعجب شدم که رژیم چه جنایت بزرگی دست زده است و معلوم بود از ترس دست به چنین کاری زده است و حال که منافقین دست به جنایتی هولناک‌تر از شاه زده و او را شهید کردند معلوم است که در انزوای کامل بسر می‌برند.

ایشان یک فقیه بودند اما از نظر سیاسی بدون قید و شرط رهبری امام را پذیرفته بودند و ایشان هیچ وقت از خط امام

وزیر محترم ارشاد اسلامی

آیتا... دستغیب یکی از تکیه‌گاههای انقلاب بود

طی یک مصاحبه اختصاصی با برادر معاد یخواره وزیر ارشاد اسلامی که جهت شرکت در تشییع جنازه شهید آیتا... سید عبدالحسین دستغیب به شیراز آمده بودند در بدو مراجعت نظر ایشان را در مورد شخصیت و اهداف منافقین در ترور این افراد خالص الهی جوایا شدیم ایشان اظهار داشت

میین اسلامیان در غرب کشور بار دیگر جیره‌خواران شرق و غرب باورن وابسته دست به جنایتی هولناک زدند و یکی از بهترین فرزندان اسلام و سلاله پاک پیامبر عظیم‌الشان صلوات علیه‌واله و سلم حضرت آیتا... سید عبدالحسین دستغیب و تعدادی از همراهان ایشان را مظلومانه به خاک و خون کشیدند. این جنایتکاران چنین می‌پندارند که با به شهادت رساندن مردان بزرگ میتوانند در اراده ملتی که مصمم است سرنوشت خویش را بدست گیرد خللی وارد نمایند غافل از اینکه ملتی که اسلام را نصب‌العین خود قرار داده و شهادت را سعادت میدانند نه تنها متزلزل نمیشود بلکه هر روز بیش از گذشته به ماهیت پلیدی جنایتکارانی که دستشان تا مرفق به خون فرزندان و بزرگان و عزیزانش آلوده است پی میبرد. ملت مسلمان ایران بحمدا... هوشیار و آگاه نقشه‌های ابدی

خدا را شیرین کنند. اما جز خسران دنیا و آخرت نصیبی نخواهند برد. اطمینان دارم که شهادت این مرد خدا همچون زندگی پرافتخار برای اسلام و انقلاب اسلامی ایران خیر و برکت به همراه خواهد داشت چرا که همه ما را در ادامه راهی که برگزیدیم مصمم‌تر می‌کند تا راه اسلام در پیش روی ماست دشمن حقیرتر از آن است که بتواند ما را از این سیر الهی منحرف بسازد. شهادت این مرد میدان تقوا و مبارزه را به مردم شهیدپرور ایران خصوصاً به اهالی غیور فارس و فرزندان و بازماندگان و شاگردان آن شهید تسلیت و تبریک می‌گویم. سلام بر همه شهیدان اسلام- سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور ایران

پیام نخست‌وزیر بمناسبت

جاری ساخت، با دستگاه ظلم و جور به مبارزه برخاست این چهره پارسا و پرهیزگار در بهترین بخش از عمر پربهرکتش بی‌اعتنا به زخارف دنیوی همت و نیروی خود را در راه استقرار حاکمیت... صرف کرد و به یاد خدا دل خوش بود که علی‌به‌ذکر... نظم‌القلوب. چهره معظم و دوست‌داشتنی این مرد خدا محبوب‌ترین چهره در میان مردم فارس و مورد احترام عمیق مردم در سراسر ایران بود. روح بی‌کینه و صفای باطن و لحن روحانی او گرمی بخش دل مردم بود و مردمی که او را مصیمانه دوست داشتند به شخصیت والای این روحانی و مبارز و متقی احترام می‌گذاشتند هفتاد سال زندگی همراه با طهارت و تقوا و سالها صرف عمر در راه اسلام و انقلاب از این مرد بزرگوار چهره‌های ساخته بود مورد علاقه و احترام مردم. چنین مردی از سلاله پاک پیامبر و از خدمتگزاران صادق و فداکار

پیرامون شهادت حضرت آیت الله دستغیب

تجاوز نمی کردند. پادم هست در یک سفر که آمدم به شیراز آنموقع که چهره کریمه بنی صدر داشت رو میشد و ایشان میدانست که من یکی از کسانی هستم که روی بنی صدر حساسیت دارم قبل از صحبت به من فرمودند که خوب ما موضوع ایشان را میدانیم که چیست اما سعی نشو ده که از این حد که امام تعیین فرموده اند ما جلوتر برویم.

این اطلاعیه از سوی حضرت آیت الله العظمی



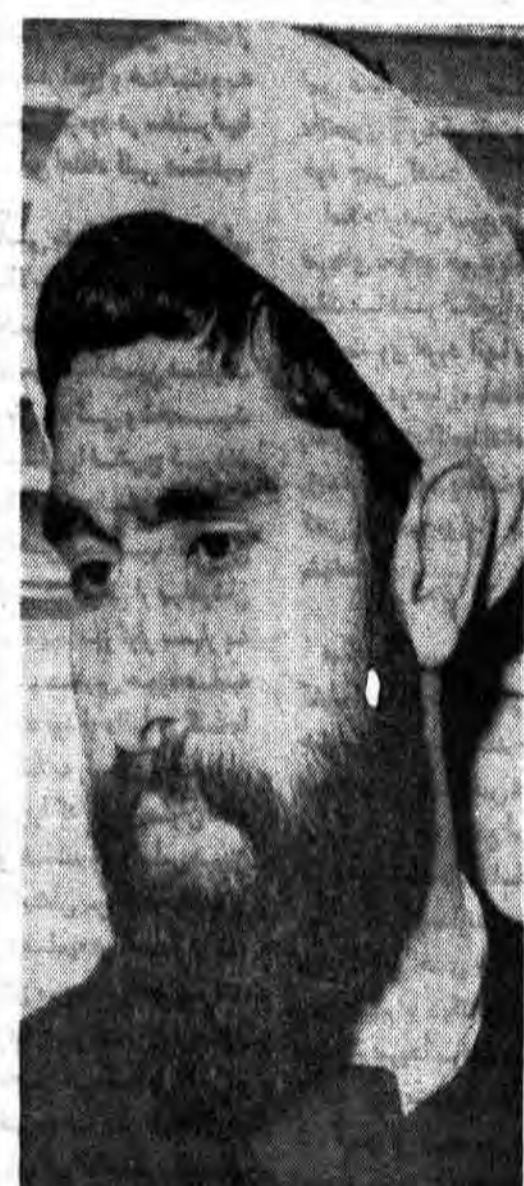
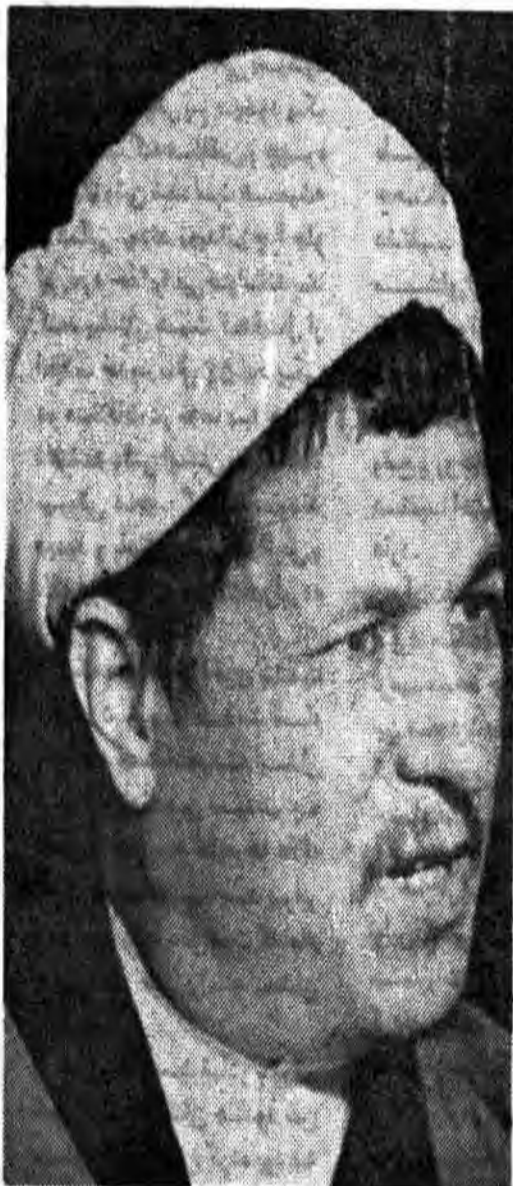
نظر ایشان هم میتوانست مفید باشد. در غیاب امام که دسترسی گاهی به امام مشکل بود مشورت میکردیم بعضی مسائل را در داخل با آقایان، یکی از شخصیتهایی که همیشه مورد مشورت بود و نظراتش هم همیشه مفید بود برای ما ایشان بودند و آن ماههای قبل از پیروزی هم حرکت وسیع شیراز و فارس را ایشان اداره میکردند.

بعد از پیروزی انقلاب هم استان فارس یکی از آرامترین شهرها بوده است. البته بقیه علما هم مؤثر بودند ولی ایشان نقش اساسی داشتند. در ادامه کار انقلاب، آنجا خیلی مؤثر بودند، نماز جمعه شیراز یکی از مراکز تقویت انقلاب در ایران است و ایشان همیشه همراه با سیاست مرکز، سیاست کشور را آنجا

اینطور خونها را هیچ وقت فراموش نمیکنند و از احمقها آنها این است که میروند سراغ اینگونه شخصیتها اینها میخواهند یک کار سرو صداهاری را بکنند که خودشان را در دنیا مطرح بکنند، فکر میکنند بسا این کار سروصدایی میشود اما نمی دانند که مثلا شهادت آیت... دستغیب لاقبل در ایران ۳۰ میلیون قلب را سخت جریحه دار میکند و عصبانی میکند و دافعی

هم نیست که فراموش شود تاریخ هم اینچنین چیزی را فراموش نمیکنند. تاریخ از این بسعد منافقین را هر وقت یاد بیاورد که اینها شهید مسدنی را، شهید دستغیب را اینجوری شهید کردند کفایتی است برای محکومیت ایشان، بنی امیه با خون امام حسین اگر نتیجه گرفتند اینها هم نتیجه میگیرند و جالب این است که درست این حادثه آنموقع اتفاق میافتد که این حمله وسیع نیروهای مادر غرب شروع میشود یعنی به محض اینکه آن حمله عظیم را ما در غرب شروع میکنیم و آنطور بناسنت در دنیا یک موج عظیمی را ایجاد کند اینها کاری میکنند که از آن بگمانند ما می دانیم حرکت ارتش و سپاه در غرب برای بالا بردن روحیه مردم ضد صدام در عراق خیلی میتواند مفید باشد و برای منطقه بطور کلی چقدر میتواند مفید باشد ولی اینها فوری در کنارش یک کاری میکنند که افت کند تبلیغاتی را که ما در مورد جنگ داریم اگر پادگان باشد آن روزی که ما در آبادان پیروز شدیم همانروزه فردایش آقای هاشمی نژاد در مشهد تسرور میشود برای اینکه احساسات مردم مشهد بتواند خیلی کار ساز باشد بدهمانروزی که در تهران منافقین آن شورش را در شهر راه انداختند که عده زیادی از مردم بیگناه و خودشان گشته شدند این کاملاً همراهی اینها را بسا صدام نشان میدهد که طبیعی هم همین است که الان اسنادی وجود دارد که اکثر پول اینها و اسلحه اینها و تبلیغات اینها دارد از طریق بغداد بدست می آید.

س- نظر شما در مورد شخصیت علمی، سیاسی و فضائل اخلاقی ایشان چیست؟
ج- خوشبختانه ایشان در این فرصت بعد از انقلاب موفق شدند که شخصیتشان برای مردم کشف شود با آن خطبههایی که در نماز جمعه داشتند و نوشتههایی که از پیش داشتند و مصاحبههایی که کرده اند و مخصوصاً این دو سه جلسهای که از ایشان در محرم امسال بخش شد و هم اخلاقیات ایشان و روحیه ایشان و شخصیت ایشان یک مقداری مکتشف شد برای مردم من به مردم شیراز و جامعه روحانیت قبل از همه به شخص امام که تأثرم بیشتر برای قلب پاک مقدس ایشان است که چقدر از این مصیبتها را باید تحمل بکنند تسلیت میگویم و به خانواده ایشان و به تمام مسلمین شهادت ایشان را تسلیت میگویم.



توضیح میدادند و در منطقه نیروی عظیمی بودند. در ۱۵ خرداد هم مثل همین جریانات بعد از ۱۵ خرداد همینطور که امروز ایشان حاضر بودند، آن موقع هم ایشان همینطور حاضر در میدان بودند.
س- بنظر شما شهادت ایشان در تداوم انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری دارد؟
ج- البته ما از دادن اینگونه افراد مثل آیت... دستغیب برایمان خسارت عظیمی است اما اینطور افراد خونشان هم به اندازه حیانتشان میتواند مسوئر باشد و همین که جریانی مسوئل شهادت افرادی مثل آیت... دستغیب باشد این بزرگترین ضربه است برای آن جریان، یعنی هیچ جریانی نمیتواند در ایران پا بگیرد که مسوولیت خون افرادی مثل شهید آیت... دستغیب را به گردن داشته باشد. جامعه ایران، ملت ایران، مسلمانان بطور کلی،

شخصیت علمی و فضائل ایشان و تأثیر شهادت آیت... دستغیب در تداوم انقلاب اسلامی ایران مصاحبههای انجام دهد که مشروح آن بشرح زیر از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:
س- نقش حضرت آیت... دستغیب در قیام ۱۵ خرداد و مبارزات اسلامی قبل و بعد از انقلاب به چه صورت بوده است؟
ج- آیت... دستغیب از شخصیتهایی بودند که همراه با انقلاب بودند و از همان روزهای شروع انقلاب و شروع نهضت از سال ۴۱ همراه بودند و توی متن مسائل بودند همیشه در رابطه با امام موضع بسیار خوبی داشتند. از همان اول توجه به رهبری امام کرده بودند، مسائلی که در شیراز پیش میامد منطقه فارس، بطور کلی ما از اینجا همیشه خیالمان راحت بود با وجود آقای دستغیب، فرد صاحب نظر و خوش فکری بودند که گاهی

جریانی که خون شهید آیت... مدنی و دستغیب را بگردن دارد نمیتواند پا بگیرد
سرویس سیاسی جمهوری اسلامی- بدنبال شهادت عالم مجاهد و متقی حضرت آیت... سید عبدالعسین دستغیب، خبرنگار ما موفق شد که با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در مورد

و ایجاد هرج و مرج و آشوب و آرباب قصدی ندارند اما علیرغم مقاصد شوم آنها این جنایات ملت بهاخواسته ایران را ثابت قدم تر و در دفاع از اسلام کوشا تر مینماید شهادت آن مرحوم را به محضر ولای حضرت بقیالله ارواحنا فداه و علمای اعلام و مخصوصاً جامعه روحانیت و مردم رشید و متعهد فارس و خاندان محترم دستغیب تبریک و تسلیت عرض نموده علو درجات آن عالم شهید و سایر شهدای پاک اسلام را از خداوند متعال مسئلت مینمایم- ۱۴ صفر ۱۴۰۲ - محمدرضا الموسوی الگلپایگانی.

گلپایگانی منتشر شد
بسم الله الرحمن الرحیم ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون دست خیاات کار استعمار بار دیگر یکی از بهترین علما و خدمتگزاران به اسلام و مرتبایان و مسلمان حقیقی جامعه را ترور کرد و سید جلیل و عالم زاهد و عابد مجاهد حضرت آیتالله دستغیب را به شهادت رسانید و صفحه درخشان دیگری در تاریخ شهدای اسلام باز شد این جنایتها و ترورها در این موقعیت حساسی که اسلام و جامعه ما با دسائیس خائنانه استعمار و حملات پیرحمانه کفار و عمال آنها روبروست هر چند دلیل براین است که عوامل صدام انقلاب داخلی با عوامل خارجی متحد و جز ضدیت با اسلام و استقلال کشور

رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی:



● حجت‌الاسلام سیدعلی محمد دستغیب

شهید آیت‌الله دستغیب از زبان نزدیکانش



● حجت‌الاسلام سیدعلی اصغر دستغیب

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی محمد دستغیب یکی از نزدیکان شهید است... سیدعلی محمد دستغیب مشهور و نماینده امام جمعه شیراز طی یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار جمهوری اسلامی در شیراز مطالب زیر را بیان فرمودند: ایشان ققیه بودند، نماینده امام بودند و مردم به ایشان دلگرمی داشتند و کارها اکثراً بوسیله ایشان انجام میشد و از طرفی ضایعه بزرگی از نظر علمی به ما وارد شده است. من حدود ۱۲ ساله بودم یعنی حدود ۲۵ سال قبل که آیتا... شهید دستغیب میخواستند مسجد جامع عتیق را عمران و تجدید بنا کنند من میدیدم شخصاً بیل و کلنگ میردند و حتی یک بار هم از چوب بست به زیر پرت شدند که احتمال زنده ماندنشان خیلی کم بود من یادم است در همان موقع هم موقعی که کار میکردند بلند می گفتند لعنت به شاه.

خفه میشد و خودشان میگفتند عجیب است عده‌ای که این همه کوشش میکنند که مسجد خالی شود می بینیم که خالی نمیشود و دوباره جایش پر میشود یک سال است که منافقین و چهره آنها روشن شده است همیشه ناکسانی بودند نمیدانم چرا جلو این مرد خدا را می خواستند سد کنند یادتان هست که قبل از انقلاب حدود سال ۵۴ بود یکی دو ملاقات در نجف با امام داشتند وقتی ایشان برگشتند نیرویی عجیب گرفته بودند دیدید و یادتان هست که فارس و بلکه ایران را به حرکت در آورده بود.

یک دفعه دیگر اخوی بنده با شهید دستغیب خدمت امام رسیده بودند امام به ایشان فرموده بودند من نمیدانم چه لفظی را بکار ببرم اما هر چه علاقه نسبت به شما داشتم چند برابر شده است واقعاً بحق است که امام چنین احترامی را به ایشان بگذارند.

من یادم است مادر بزرگم نقل میکرد ایشان حدود سن بیست سالگی شروع کرده بود به نان جو و نان و نمک خوردن و

روزه گرفتن که ما میدیدیم هر روز لاغرتر و مریض شد که بالاخره او را به قم بردیم و به حرم حضرت معصومه بستیم تا خوب شد.

طی یک گفتگوی با حجت‌الاسلام سیدعلی اصغر دستغیب یکی از نزدیکان و مشاوران و نمایندگان و خواهرزاده ایشان ضمن سخنانی شخصیت آیتا... دستغیب را چنین تشریح کردند برای بررسی وضع و روحیه و شخصیت آیتا... دستغیب احتیاج به کتابی قطور دارد.

آیتا... شهید دستغیب در مورد مراجعتشان به شیراز و ترمیم مسجد جامع امام جماعت این مسجد شدند و پس از مدتی کوتاه این محل یکی از مراکز مهم اجتماع مذهبی سیاسی درآمد.

قبل از انقلاب پس از پیام امام اولین کسی که در فارس علناً مبارزات ضد رژیم شاه را شروع کردند و بعد از مراجعت ایشان که در نجف ملاقاتی با امام امت داشتند گرمی و بی‌زاری نسبت به ضد رژیم شاه به مردم دادند. چه در قبل از انقلاب که

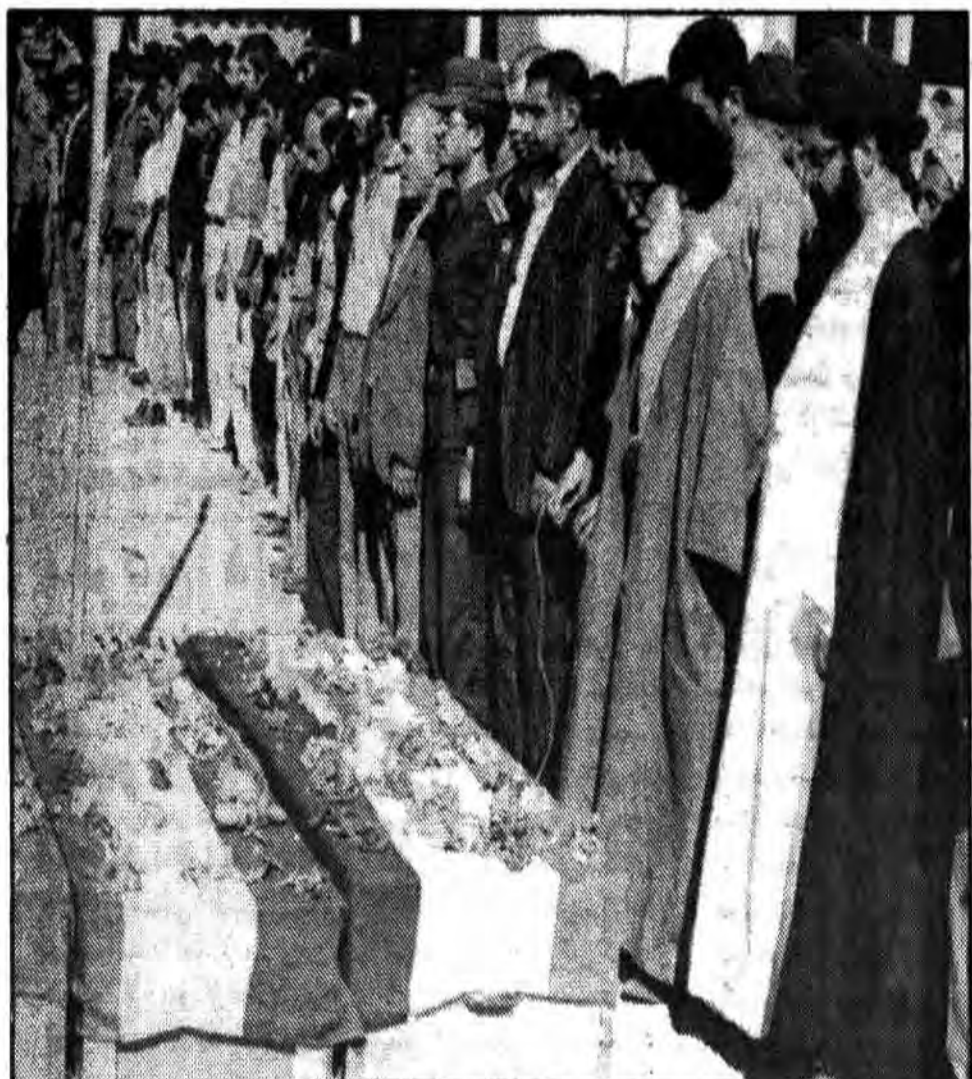
وزنهای بودند و محوری بودند برای مسائل سیاسی و اجتماعی و مذهبی بعد از انقلاب هم براساس حکمی از طرف امام امت ایشان به امامت جمعه شیراز منسوب شدند بدیهی است که در هر موقعیتی مردم را در گرایش به امام که همان اسلام اصیل است کوشش شایان توجوهی داشتند.

طی یک مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی موحد یکی از نزدیکان ایشان و سرپرست حوزه علمیه آقاباباخان در رابطه با شخصیت امام جمعه شیراز ایشان اظهار داشتند:

آنچه عجالتاً می توانم عرض کنم این است که فقیر با شهید بزرگوار زبیه رسول... (ص) مرحوم آیتا... دستغیب مدت ۲۰ سال است که از نزدیک آشنا هستم شخصیت تقوایی و پرهیزکاری او بر هیچ کس مخفی نبود و آنچه ما را مجبور می کرد پروانوار بدورش باشیم در خط خالص امام بودن و همیشه تائید امام کردن و آماده برای هر نوع خضوع در مقابل امام بود بخدا

قسم بارها به فقیر گفتم من اعتقاد جازم بر آن است که اطاعت از امام خمینی اطاعت از امام زمان (عج) و خداست و به بنده می فرمود در سخنرانیها بگو این اعتقاد قلبی دستغیب است.

طی یک گفتگوی حجت‌الاسلام سید ابوالحسن دستغیب برادر حضرت آیتا... شهید سید عبدالحسن دستغیب جریان زندگی و شخصیت برادرشان را تشریح کردند حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن دستغیب ضمن بازگویی خاطراتی از برادرشان گفتند شهید بزرگوار بسیار به طلاب و مدارس حوزه علمیه علاقه مند بود او دائماً می گفت ما باید طلاب را یاری و پرورش دهیم زیرا که آنها سربازان امام زمان هستند و براساس همین علاقه ایشان بود که حدود ۶ حوزه علمیه در شیراز را به تنهایی سرپرستی می کردند برادر در بین هزاران توطئه و شایعه پراکنی که منافقین و مخالفین به اسلام بر علیه ایشان بر سر زبانها می انداختند ساکت بود و وجه و وقار ایشان در بین مردم فارس بعدی بود که هر شایعه‌ای را هر چند از حلقوم عوام پریبان بیرون می آمد در نطفه خفه مینمود سابقه مبارزاتی ایشان در دوران شاه و پدرش به این اندازه بود که تمام نوارهای ایشان را در تمام نقاط ایران می بردند من هر وقت به ملاقات برادر می رفتم او در حال نماز بود او اکثر اوقات فراقت را در جانماز می گذراند او احوال همه را می پرسید و او قدرت جذب نیروهای مؤمن را داشت او بر قلوب مردم حکومت میکرد یادم هست در آخرین خطبه‌هایشان گفتند ترا بخدا مردم با هم خوب باشید متحد باشید و همین الان هر کس کینه‌ای از کسی در دل اوست بیرون بکند.



● شهید آیتا... دستغیب در حال اقامه نماز برای شهدای جبهه‌های جنگ

مصاحبه با یکی از فرزندان آیتا... شهید دستغیب

شیراز- خبرنگار جمهوری اسلامی- حاج سیدهاشم

حالت این منافقین سنگ دل باچه و فساداتی نور چشم و حامی مستضعفین و کمپیکه بامستضعفین بزرگ شده بود از بین بردن منافقین بدانند عذاب الهی دیر یا زود در کمین آنها است، شبهای جمعه را بسیاد بپاوردید سال ۵۶ و ۵۷ را میگویم تنها سخنرانی که برپا میشد، و هرگ بر شاه را سر میدادند در سخنرانیهای ایشان بود، این منافقین پدرم را به خاطر ارادتش به اسلام کشتند یا به خاطر مبارزه با طاغوت؟ یا به خاطر خانه پوسیده و یا سوادشان آخر جرم این پیرمرد که همه به او امید داشتند چه بوده است؟

شهید بزرگوار در موقع درس دادن با آن همه سواد هیچ وقت عصیان نمی شدند و اکثراً خوشحال بودند من یادم است در بعضی از صحبتها و سخنرانیها شاید حدود یک ساعت سخنرانی میکردند و تمام قلوب را منقلب میکردند و همه به گریه می افتادند.

خدا ذلیلشان کند آنهایی که سدره ایشان نبودند وقتی میدیدند که ایشان جوانان را رشد میدهد و سازمان دهی میکند و آنها را جمع میکند و در مدارس علمیه به آنها تدریس میکند چه حرفهایی به ایشان نمیزدند اما الحمدلله چون کار شهید دستغیب با خدا و حق بود همیشه در برابر هر جریانی که برخلاف واقعیت بود ساکت می نشستند و مظلومانه برخورد میکردند و واقعاً هم مظلوم بود و خوشبختانه مردم هم میدانستند که این اتهامات به آقای دستغیب نمی چسبند فوراً توطئه در نطفه

شهید آیتا... سیدعبدالحسین دستغیب فرزند مرحوم مجتهد مدحکیم دستغیب می باشد که خانواده روحانی که ۸۰۰ امت دارد می باشد شهید... دستغیب در سال ۱۲۹۲ برابر متولد شد پس رانیدن دروس سطح جهت ادامه تحصیلات عالی به نجف اشرف شد و پس از اخذ درجه اجتهاد به شیراز بازگشت و از همان بدو مراجعت خدمات دینی مذهبی و سیاسی و رهبری جامعه فارس را عهده می گیرند منزل ایشان در یکی از جنوبی ترین و قدیمی ترین محله های شیراز می باشد و این منزل از اجدادشان به ارث رسیده است. عده از برادران نقل می کنند چندین بار به وی گفتیم این منزل را بفروشید و به محل امن دیگری بروید ایشان اظهار می داشتند این منزل پدرم است من می خواهم همین جا بمانم. شهید آیتا... دستغیب پس

شرح کوتاهی از زندگی پربرکت شهید آیتا... دستغیب



آیتا... دستغیب شهید شد و برای همیشه از مصاحبت و مجالست با او محروم گشتیم اما از دستغیب تنها جسمی رفته تنها جنبه مادی وجود او در میان ما نیست تلاش ۴۰ ساله او در بعد فرهنگ اسلام یادگاری است غنی که او در میان ما بجای گذاشته است سیر و تفحص عمیق او در قرآن و استخراج فرازهای حساس این کتاب آسمانی و برشته تفسیر در آوردن آن برای همیشه او را در یاد ما نگاه خواهد داشت.

نابودی آن داشت با زحمت بسیار پس گرفته و عمران نمود. علم و اخلاق و دعاهای ایشان و تقوا... میزگاری ایشان زبانزد مردم بود شهید دستغیب حدود ۲۵ جلد کتاب تحریر نموده که بعضی هنوز زیر چاپ است و بعلمت استقبال بی نظیر مردم بعضی از این کتب چندین بار تجدید چاپ شده است. اسامی بعضی از کتب ایشان چنین است:

- ۱- قلب سلیم- ۲- گناهان کبیره دو جلد ۳- معاد دو جلد ۴- معراج ۵- حقایق از قرآن ۶- پیامبر و قرآن ۷- آداب از قرآن ۸- تفسیر سوره حدید ۹- تفسیر سوره یس ۱۰- قلب قرآن ۱۱- معارف از قرآن ۱۲- استعاذه ۱۳- فاطمه زهرا وزینب کبری ۱۴- شهید سیدالشهدا ۱۵- خطبه شعبانیه ۱۶- هفتاد و دو پرسش ۱۷- ایمان ۱۸- صلوة السخا عین ۱۹- بستگی راز آفرینش ۲۰- داستانهای شگفت.

سرانجام منافقین تاب طاقت این مرد فضیلت و اخلاق و عرفان را نیاورد و در روز ۲۱ آذر ۱۳۶۰ در هنگام عزیمت به نماز جمعه وی را به آرزوی

از آن بنا به خواست کتبی و طوماری بیش از ۸۰ مترو فرمان کتبی امام امت به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شدند. وی مدارس متعدد علمیه طلاب را که توسط رژیم از طلاب خالی شده بود و به صورت مخروبه ای در آمده بود با همیاری مردم و با زحمات و صفناپذیری

شهید آیتا... دستغیب از این تاریخ به بعد که موج خفقان بر جامعه ایران سایه افکنده بود بازیرگی و پایداری هر چه تمامتر مبارزات صذرژیمی مسلمانان بخصوص فارس را رهبری می کردند. مبارزات پنهانی و سازش ناپذیر ایشان بر هیچ فردی مخفی نیست در زمان غیبت امام خمینی ایشان به کرات در

سخنرانیهای مخفیانه با ایراد داستانها و قضایا رژیم شاه را زیر سؤال قرار میدادند و مردم را روشن می نمودند تا سرانجام رژیم متوجه می شود جوانان و نیروهای فعال دانشگاهها و بازار شده اند و تغذیه فکری می شوند رژیم تصمیم می گیرد ایشان را ممنوع الملاقات نماید و در سال ۵۶ در منزل خود محاصره شده و با عکس العمل شدید مردم پس از مدتی آزاد گردیدند در کشتار مردم توسط رژیم شاه در مسجد نو و سخنرانی ایشان مدت ۲۰ روز در خانه خودشان محاصره شدند بالاخره با سخنرانی مکرر در مسجد جامع عشق در امر سرنگونی رژیم سفاک و غاصب شاه نقش مهمی را ایفا نمودند. شهید آیتا... سیدعبدالحسین دستغیب بعد از پیروزی انقلاب و تأسیس مجلس خبرگان به نمایندگی از طرف مردم فارس انتخاب شدند و پس



پیکر قطعه قطعه شده شهید آیتا... دستغیب

از گذراندن دروس اجتهاد در نجف اشرف در سال ۱۳۴۱ فعالیت صذرژیم را همگام با امام شروع کرد و مستقیماً با امام امت در تماس بودند و از ایشان تغذیه فکری میشدند که در همین جریانات در ۱۵ خرداد سال ۵۶ توسط رژیم شاه دستگیر و در تهران زندانی شدند که پس از مدتی آزاد و دوباره در سال ۱۳۴۳ مجدداً دستگیر و در تهران زندانی و تبعید شدند.



شهید آیتا... دستغیب با چهارمهی مصمیمی در حالی که خبرنگار جمهوری اسلامی با ایشان گفتگو می نمایند.

درباره عمران و مهیا ساخته و طلاب دینی را ثبت نام نمودند که تا این اواخر پنج حوزه علمیه (مدرسه خانه- مدرسه قوام- مدرسه حکیم- مدرسه هاشمیه تدریس می شود. شهید آیتا... سیدعبدالحسین دستغیب مسجد جامع عشق را که رژیم شاه آنرا به مناصه گذاشته و سعی در

مقامی است که بدان نتوان رسید جز بدرخواست. اگر بندهای دهان خود بندد و از خدا درخواستی نکند چیزی باو داده نشود تسو درخواست کن تا بتو بدهند ای میسر هیچ دری گوینده نشود جز آنکه در معرض آن قرار گیرد که بروی گوینده خود باز شود. و نیز در کافی بابالمعارین در ذیل حدیثی از امام صادق (ع): و منعم من اعیرالایمان عاریة فاذا هودعا والحق فی الدعوات علی الایمان برخی از مؤمنین هستند که ایمانی بعبارت دارند (یعنی ایمان جلیلی و ذاتی آنها نشده و دلشان بنور یقین روشن نگردیده) پس هرگاه ایشان دعا نمایند و در دعا اصرار ورزند با ایمان بعینند. در این حدیث برای عاقبت بخیری و بسایمان مردن اصرار و مواظبت در دعا و تضرع بدرگاه حضرت آفریدگار را موثر دانسته و بان امر فرموده است. و از حضرت موسی بن جعفر (ع) مرویست که در بنی اسرائیل مرد صالحی بود زن صالحی داشت در خواب باو گفتند خداوند فلان مقدار عمر برای تو مقرر کرده است که نصف عمر تو در فراخی نعمت و نصف دیگر در تنگی و تهی دستی بگذرد و ترا مختار گردانیده که هر یک بخواهی مقدم داری آن مرد گفت زن صالحی دارم و در معاش شریک من است و با او مشورت میکنم چون صبح شد خواب خود را برای زوجه خود نقل نمود آن زن صالحه گفت: فراخی نعمت را در نصف اول اختیار کن شاید خدا بر ما رحم نماید و در نصف آخر هم نعمت را از ما نگیرد. چون شب

دوم شد و در خواب از او پرسیدند کدام را اختیار کردی گفت نصف اول را در فراخی باشم از فردا دنیا از هر جهت روی باو آورد پس زوجه اش باو گفت از آنچه خدا بتو داده بخوشان خود و مردم پریشان و محتاج و همسایگان و فلان و فلان برادر خود بده و بیوسته او را امر میکرد که نعمت خدا را در مصارف خیر صرف نماید آن مرد هم عمل میکرد چون نصف عمر او گذشت همان شخصی در خواب باو گفت بجای احسانی که نمودی و شکر نعمت خدا را کردی بقیه عمرت را در فراوانی مقدر فرموده است. و نیز مرویست حضرت عیسی (ع) عبور فرمود از خانایکه در آن عروس بود آنحضرت بهمراهان خود فرمود امشب عروس میمیرد و عیش آنها بجز امشب میگردد و فردا از آن محل عبور فرمود انری از عزا داده نشد پرسش فرمود گفتند عروس سالم است پس از صاحب خانه اذن گرفت و داخل شد و فرمود فراش عروس را برداشتند دیدند مار بزرگی خوابیده است فرمود این مار مأمور بود شب گذشته ترا بکشد بگو دیشب چه کردی عروس گفت: فقیری در خانه صدا میزد مرا طعمی دیدم کسی جوابش نداد تا اینکه خودم خوراکم را برداشتم باو دادم حضرت فرمود بهمین عمل، مرگ را از خود دور ساختی و نظیر این روایت چند روایت نقل گردیده است.

حقیقت دعا

بقیه از صفحه ۱۲ در معاشی شد نتیجه اش عاقبت بشری و بی ایمانیت و بالعکس کسیکه بیاد خدامی باشد و از هر گناهی ترسان است و سپهر طاعتی و خیری شتابان است اثرش عاقبت بخیری و بسایمان مردن است و سعادت دنیا و آخرت برای خود کسب کردند. برای اثبات آنچه گفته شد آیات و روایات بسیار میباشد تنها بتقل چند روایت قناعت میشود. در کتاب الدعاء اصول کافی از حضرت سجاد (ع) روایت شده که فرمود: «والله یفعل البلاء السائل و سالم یزل دعایه لیکنه نازل شده و بلائیکه هنوز نازل نشده دفع میکند و از آن جلوگیری مینماید و این مضمون هشت حدیث دیگر نقل کرده است و نیز از امام صادق (ع) روایت کرده که بمیسر بن عبدالعزیز فرمود ادع و لاتقل ان الامر قد فرغ منه ان عندالله منزلة لاتنال الا بمسئلة و لسان عبداسدفا و لم یستل لم یعط شیئا یامیسر لیس من سباب یفرع الا ویفتح لصاحبه ای میسر دعا کین و مگو که امر گذشته است راستی نزد خداوند

نماینده مردم گازرون در مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی

خون شهید آیتا... دستغیب از کلامشان در این مقطع از زمان موثرتر است



سرویس سیاسی جمهوری اسلامی - بدنیاال شهادت عالم مجاهد و متقی حضرت آیتا... سید عبدالعسین دستغیب، مهندس رجبعلی طاهری نماینده مردم گازرون در مجلس شورای اسلامی در رابطه با نقش حضرت آیتا... دستغیب در قیام ۱۵ خرداد

از همه اینها مهمتر برای ایشان آن حالت عرفانی ایشان است که ایشان شخصی بودند عارف و در زمینه عرفان با کتابهایی ایشان دارند و خودشان هم مجسمه اخلاق اسلامی بودند. که اگر توجه کنیم می بینیم که ایشان هم بعد فقهی داشتند هم بعد اخلاقی داشتند، هم بعد عرفانی هم بعد سیاسی. در بعد سیاسی که در استان فارس سرآمد بودند رهبر بودند، نمونه بودند. از لحاظ اخلاقی، هم بساز کتابهایشان همه اعمال خودشان تمام ابعاد در ایشان عینیت داشت. در بعد سیاسی اخلاقی، عرفانی و این نمونه یک مسلمان کامل است. اسیدواریم که انشاء... ما از این شهادت ها درس بگیریم عبرت بگیریم و خود را آماده کنیم مهیا کنیم برای هر چه زودتر ملاقات پروردگار و این راهی است که همه ما باید برویم، چه بهتر که این ملاقات توام باشد با کسب یک سری فضائل و کرامات انسانی که قرآن و اسلام برای

داشته باشد؟
ج- تاثیر شهادت ایشان در تداوم انقلاب اسلامی و تکامل ن همان اثری را دارد که خداوند تبارک و تعالی در قرآن فرموده یعنی این اعتقاد خود من است که خون ایشان از کلام ایشان در این مقطع از زمان موثرتر است. مجموعه سخنانشان، خطبههایشان، کردارشان همه یکطرفه و خونی هم که در راه خدا مظلومانه ریخته شد یک طرفه اثر این خون همانطور که خدا وعده داده برای انقلاب اسلامی بیشتر است. و از این جهت ماتریک می گوئیم و اما از آن جهت که یک شخصیت بزرگ اسلامی را از دست دادیم تسلیتی است برای همه ما.
س- نظر شما در مورد شخصیت علمی، سیاسی و فضائل اخلاقی ایشان چیست؟
ج- همانطور که اشاره کردم ایشان از نظر علمی شخصی بود که علم فقه و اصول و سطح و خارج در حوزه نجف مطالعه کردند، دوم

دستغیب به اتفاق حضرت آیتا... محلاتی و چندتن دیگر از شیراز دستگیر میشوند و به تهران می آورند. مدتی در تهران در زندان بودند و با امام بودند و بعد که ایشان آزاد میشوند باز مجدداً بر می گردند به شیراز و به راه خودشان ادامه می دهند که چند ماهی نمی گذرد که مجدداً ایشان را دستگیر می کنند و به تهران می آورند که دربار دوم مدت زندانی ایشان خیلی طولانی تر میشود. قبل از انقلاب غیر از سنابر و خطبهها یک سری کتابهایی هم باز درباره مطالب مختلف از جمله گناهان کبیره درباره معاد، و همچنین دربارۀ غیبت کتابهایی نوشته اند چندین سوره قرآن هم تفسیر کرده اند. یک مقدار کتابهایی هم شاید خطی باشد هنوز چاپ نشده، آن کتابها هم چاپ شود بعد از انقلاب باز ایشان به راه خودشان که راه خداست، تبلیغ اسلام، پیشبرد انقلاب اسلامی ادامه دادند. از طرف امام منصوب

که از همان ابتدا وارد این مبارزه روحانیت شدند. از جمله کارهایی که ایشان از ابتدا کرده اند و من یاد دارم این است که قبل از ۱۵ خرداد علماء شیراز از جمله ایشان نقش فعالی داشتند در تهیه اعلامیه به امضاء بیست و پنج نفر از علماء شیراز در تأیید رهبری امام و مرجعیت امام و در واقع پیشبرد انقلاب اسلامی. و همچنین ایشان از جمله فعالیتهایی که قبل از ۱۵ خرداد داشتند شبهای جمعه بعد از دعای کمیل سخنانی در رابطه با انقلاب و مبارزه علیه رژیم میکردند. و باز از ابتکارهایی که در آن زمان انجام گرفت ایشان نقش بسیار موثری داشتند برای وحدت علماء شیراز و در واقع فارس مسجد ایشان بعنوان سنگری درآمد و تمام ائمه جماعات از همه مساجد در مسجد ایشان جمع میشوند حتی حضرت آیتا... محلاتی که رحمت خدا برایشان، ایشان هم بخاطر حفظ وحدت و پیشبرد انقلاب در مسجد جامع حاضر

برادر پاسدار بگذار یزیدیان زمان اینگونه بدن پاکت را قطعه قطعه کنند تا حماسه خونین عاشورا تکرار شده و مظلومیت حق آشکار گردد و پرده شب هر چه بیشتر دریده شود. و جنازه مطهرت پرچی گردد بر بام بلند تاریخ در اهتزاز تاره مانند گلن و گمراهان را راهنما شود و منافقان کوردل را رسوا و چهره پلیدشان را افشاگر. عکسهای زیر اجساد قطعه شده پاسداران گرانقدر شهید حضرت آیتا... دستغیب می باشد که بدست دژخیم شیطان صفت به شهادت رسیده اند.



همین منظور آمده که ما بتوانیم در این چند روز عمری که داریم این کمالات انسانی را کسب کنیم که در مواقع ملاقات روسپاه نباشیم و این شهادت ها است و آماده شدن برای شهادت است که هم آبروی دنیایی برای ما و هم آبروی اخروی دارد. اسیدواریم که ماهم از جمله شهدای انقلاب اسلامی محسوب شویم.

اینکه ایشان خودشان مطالعاتی در تفسیر قرآن داشتند که نمونههایی از تفسیرشان چاپ شده در واقع ایشان مفسر هم بودند، سوم آنکه ایشان در قسمتهای اخلاق اسلامی هم تحقیقات و مطالعات زیادی داشتند و هم در این زمینه کتابهایی نوشته اند که واقعا ایشان مشهور شدند به معلم اخلاق.

شدند به عنوان امام جمعه شیراز و در خطبههای نماز جمعه همانطور که ملاحظه شده و اطلاع دارید در جهت تأیید امام، تقویت انقلاب اسلامی بموقع حرفهای خودشان رازدهاند و در این قسمت ایشان واقعا یک ستون و عمودی بودند در استان فارس
س- به نظر شما شهادت ایشان در تداوم انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری می تواند

شدند و ایشان هم بعنوان سخنگوی روحانیت فارس به منبر می رفتند و مطالب روحانیت که در واقع همان اسلام و پیشبرد انقلاب اسلامی بود و جهاد و مبارزهای بود علیه رژیم طاغوت روی منبر با قاطعیت و بدون ترس و لرز با شجاعت کامل می گفتند. همزمان با ۱۵ خرداد که آیتا... خصینی در قم دستگیر می شوند، ۱۶ خرداد هم آیتا...

جواب دهم لازم می بینم که اینجا از فرصت استفاده کنم هم تبریک و هم تسلیت به امام زمان (عج)، امام امت، مردم شهید پرور ایران و مردم فارس مخصوصاً اهالی شیراز و سازماندگان حضرت آیتا... دستغیب عرض کنم. حضرت آیتا... دستغیب قبل از ۱۵ خرداد یعنی از همان سال ۴۱ که نهضت روحانیت شروع میشود ایشان جزء کسانی بودند

و مبارزات اسلامی ایشان قبل و بعد از انقلاب، تأثیر شهادت حضرت آیتا... دستغیب در تداوم انقلاب اسلامی ایران و شخصیت علمی، سیاسی و فضایل اخلاقی شهید آیتا... دستغیب در یک مصاحبه اختصاصی به سئوالات خبرنگار سیاسی ما پاسخ گفت. متن مصاحبه خبرنگار ما با

در رثایت‌ای شهید لاله نام

آمد از اقلیم سرخ کربلا
مرد سنگر - مرد خون - مرد دعا
بود جاری بر رگ سیار عشق
بود قطب صادق زوار عشق
روح سبز آسمان رمز نماز
در دل شب بساختا گرم نیاز
جلوه نور آفرین زندگی
عندلیب گلشن آزادگی
هر کلامی از لبش یک لاله بود
سبز هزار خرم آلاله بود
چون گلیم از رمز طورا آشنا
همچو عیسی در صلیب اوفنا
جان او در آتش تقوی و درد
شرزه میدان ایمان و نبورد
رهروراه طریقت - راه خون
پیرجان افکنده در عشق و جنون
فارغ از نابدر گیها - کینه‌ها
چلچراغ صاف حق در سینه‌ها
در حریم سبز جان - عرفان او
بذر روح انگیز قرآن - جان او
نشسته از شهید غرور انگیز عشق
مقتدای راستین صبر و صدق
سادگی در چهره اش نقش بشر
نقش او در شب چو روحی شعله‌ور
تابه اقیانوس حکمت پانهاد
گوهر والای جان را عرضه داد
ژرف تا ژرف جهان جادوی او
ماه شیدا از حریق روی او
دیدده شاد از دیدن اندام او
گام شیرین از هجای نام او
خاتم دل مانده در شولای خون
ای تو معنای «انا الحق» های خون
بامناجات تو مشتاقان بگوش
فارغ از جسم و تن و اندام و هوش

بسمه تعالی

در رثای معلم اخلاق واسوه وارستگی -
شهید پارسا حضرت آیت ...
سید عبدالحسین دستغیب



باتو دنیا رنگ سبز بحر بود
باتو شب اندر پی شب - فجر بود
تاجوار مرقد خون پا گرفت
خلق را از داغ او غوغا گرفت
تا که در آینه روی یسار دید
در خم هر کوهی - دلدار دید
تاضیلت را بخون آغشته کرد
جسم را با گوهر جان - کشته کرد
ای دریغا رفت از باغ عندلیب
می‌زند بر پر و بر ناغم - لیب
ای فغان رفت از چمن آن سرو پاک
شد تنش از تیغ دشمن - چاک چاک
گشت خاموش آن چراغ زندگی
رفته از کف و اهب آزادگی
دیده‌ها در خون به سوی اودوان
منبر و محراب بی اوشد خزان
کسوف از اندام او گلرنگ شد
غنچه از داغ غمش دل‌تنگ شد
پاره پاره پیکرت را گو کفن؟
شد ز داغ تیره خورشید وطن
از جماران نوحه میخواند امام
در رثایت ای شهید لاله نام
آمده از کربلا ای سنگ حسین
تا بشوید قامتت با اشک عین
دستغیب ای رفته از کف ای پدر
ای زانده تو جانها شعله‌ور
بی تو قلب خلق از ماتم شکست
بی تونبض جاری ایمان گسست
بی تو خون یسارید از آئینه‌ها
در دل غمگین این آینه‌ها
رفتی و با عاشقان ملحق شدی
جلوه‌ای از آن حق مطلق شدی
۱۳۶۰/۹/۲۰
شیراز - محمدحسین همافر



شب قبل از شهادت

از قول همسر شهید آیت...
دستغیب نقل میگردد، که
ایشان شب جمعه‌ای که فردای
آنروز به شرف شهادت نائل
شده و به لقاء... شتافتند
دچار حالتی کم سابقه شده و
مضطرب بنظر می‌رسیدند. و
آنشب را تا صبح در رختخواب
غلطیده و بغواب نمی‌رفتند.
اضطراب آن شهید بعدی بود،
که توجه همسرش به وی جلب
شده و علت اضطراب را جویا
می‌شود شهید آیت...
...دستغیب خطاب به
همسرش اظهار میدارد فردا
صبح سری می‌گویمت. صبح
آن شب وی هنگام عزیمت
برای اقامه نماز دشمن‌شکن
جمعه بر خلاف معمول عطر
زیادی مصرف نموده و خود را
خوشبو و معطر می‌نماید و باز

خواب یک زن مؤمنه

هم بر خلاف دفعات پیش
هنگام رفتن با علامت دست
رفتن خود را اعلام میکنند و
به نقل از یکی از پاسداران
ایشان هنگامی که از آستانه
قدم به درون گوجه می‌گذارند
آیه شریفه انا لله و انا الیه راجعون
را تلاوت می‌نمایند و پیش از
چند قدم از منزل دور شده
دچار حادثه شده و شهید
می‌گردند.
خاتم مؤمنه و صالحه‌ای در
شیراز ایشان را بغواب
می‌بینند و شهید آیت...
دستغیب به آن خاتم مؤمنه
می‌گویند: من در اینجا خوابم
نمی‌برد زیرا برخی از قطعات
جسمم همراه جنازه دفن نشده
در محل حادثه است. آن
خاتم مؤمنه گزارش خواب خود
را به خانواده شهید دستغیب
می‌دهد و خانواده فوراً دست
بکار شده و در اطراف محل
حادثه یک قطعه از گوشت
بدن آن شهید به وزن حدوداً
ربع کیلو و دو دندان ایشان را
کشف می‌نمایند و پس از نبش
قبر قطعات باقی مانده را درون
کفن ایشان جای می‌دهند.

باتشکر از همکاری صمیمانه خبرنگار جمهوری
اسلامی در شیراز که در امر تهیه این یادنامه
از هیچگونه تلاشی فرو گذار نکردند.



اینگونه مصائب تنها عزم امت را
راست‌تر و گلوله‌های رزمندگان ما
را آتشین‌تر می‌سازد و زود، است
که این تفاله‌های پس مانده را
به همراه اربابان نشان به گورستان
تاریخ بسپارند - سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی شهادت این عالم
ربانی و عارف اندیشمند را به
محضر امام امت و امت بیدار
و مستهدمان تبریک و تسلیت
می‌گوید و آرزوی پیروزی هر چه
سریعتر دلاوران اسلام در تمامی
جبهه‌ها را و محو نابودی کفر و نفاق
از خداوند منان مسئلت دارد.
روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی ایران

اطلاعه سپاه
پاسداران
انقلاب
اسلامی
در رابطه
با شهادت
آیت...
دستغیب

در پی شهادت عالم ربانی
ومجاهد متقی حضرت آیت...
دستغیب این اطلاعیه از سوی
روابط عمومی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی منتشر شد.
بسم... الرحمن الرحیم
من المسلمین رجال
صدقوا ما عاهدوا... علیه فمنهم
من قضی نحبه فمنهم من ينتظر
وما بدلوا تبديلا
در حماسه پرفروغ طلوع فجر
سلاحوران جبهه‌های نبرد که
رهائی مستضعفان زمین و سقوط
کاخ پویشی مستکبران را بدنبال
دارد ستارهای درخشان از آسمان
فقاहत و عرفان بادستان پلید

مطلب زیر از میان آثار گرانقدر ایشان انتخاب شده است که نشانگر عمق تفکر و صفای باطن و نهایت ایمان آن شهید عزیز می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر کفاند عوه من قبل انه هو البر الرحيم

این آیه اشاره بیک مطلب مهم دیگری است. دیگر از علل و اسبابیکه ما را باین درجه رسانید در دار دنیا اهل دعا بودیم میخواندیم پروردگارا خود را قبل از این در دار دنیا بدرستی که پروردگار ما براست و بخشنده است برو بار یعنی نوازنده و مهربان. از اینجا عظمت دعا معلوم میشود. دعا بمعنای طلب کردن چیزی است از روی خضوع از طرف کوچک به بزرگ. اگر مولا از غلام چیزی بخواهد دستور و امر است و اما اگر غلام چیزی از مولا بطلبد دعا میباشد نه امر بطور خلاصه دعا یعنی طلب کردن سائل (عبد) از عالی (ولی) از روی خضوع و مسکنت چیزی را و بمعنای ساده فارسی دعای یعنی گدائی از روی عجز و هر چه اجر و مزد بیشتر بخواهد باید عجزش در دعا بیشتر باشد. دیدهاید گداهای را که هر کدام بطوری سؤال میکنند، یکی عجزش کم، دیگری زیاد و برخی خیلی زیاد است هر کدام عجزش حقیقتاً بیشتر باشد بهتر بمقصود میرسد مانند گدائی که با حالت نضرع و گریه است که در آنحال مورد ترحم هر صاحب رحمی خواهد شد. اینها معنی اصطلاحی دعا بود، حال مبینیم خداوند بشر را بیچاره و عاجز قرار داده که راه چاره بر او بسته است جز یک راه همانا یک طرفی شدن و خدائی شدن برای او باقی میماند تا خدا را بخواند. مصیبت برای هر بشری یا هم اکنون هست یا بعداً میآید کسی نیست که نااملمانی در زندگی برای او روی نهد. دل بیغم در این عالم نباشد. این را خدا اینطور قرار داده تا فشار، محتاجش کند و بهر طرف نظر کند راه چاره نیابد جز در آخر یک راه پیدا کند و بگوید ای صاحب من، ای پروردگار من، و خلاصه بلاها، سختیها و فشارهای زندگی دنیوی، آدمی را مجبور میسازد که متوجه پروردگارش گردد و او را بخواند و همچنین تصور سختیهای بزرگ و عقیبهای برزخ و قیامت، بناچار او را بیاد خدا میاندازد. بشر می بیند که اشخاص یا چه وضعی می بیند آنوقت میگوید یا الله هنگام مرگ بدان من برس. مردهائی را می بیند پس از آنکه در گورشان نهادند مشیمن باز میگردد آنوقت میگوید ای خدای من بتهائی من رحم کن اسم صراط که میشود اسم نامه عمل و بدست راست یا چپ دادن، به بیچارگی و تهیدستی خود پی میرد. آنهاییکه بی درند انسان نیستند درد هر چه بیشتر شود دارو طلبی بیشتر میشود دارو چیست؟ دعا عجز و نیاز و بیچارگی

طلبی بیشتر میشود دارو چیست؟ دعا عجز و نیاز و بیچارگی است. اینها همه مقدمه است. خدا قادر است هر بشری را بطوری خلق کند که عاجز نباشد اما حکمتش اینطور اقتضا کرده و هر که راهم خدا بیشتر باو محبت دارد دردش را بیشتر میکند. هر که در این بزم مقربتر است جام بلا بیشترش میدهند. چند سال قبل در همین مسجد جامع شخصی در غیر موقع نماز در مسجد میآمد و پشت ستونها باخضوع و خشوع نماز میخواند وزاری میکرد و پس از چندی دیدم آنطور نیست معلوم شد گرفتاری دنیوی بزرگی برای او ایجاد شده و بعد از رفع گرفتاری دیگر آن حال عبادت را نداشت. نفس دعا، حالت دعا که در عید پیدایش مواجهه باو دست میدهد مواجهه بانور اقدس احدیت باعث میشود که دلش روشن شود همین گفتن یا الله یارب یعنی مخاطبه و مواجهه افاده نور میکند. نفس این معنا را اهل دقت و فهم میفهمند که چه حکمت بالفه اورا وارد کرد فیض میکند خواه حاجتش مستجاب شود یا نشود روایتی است در جلد ششم بحار الانوار که رسول الله (ص) در مرض موت جبرئیل در هر روز و هر شب بر آن حضرت نازل میشد و میگفت خداوند.

بر تو سلام میرساند و احوال برسی میفرماید و خداوند بحال تو دانای است لکن برای اکرام و تشریف تو احوال برسی میفرماید و دیگر اینکه عیادت مریض در امت تو سنت شود و رسول خدا (ص) اگر دردناک بود میفرمود ای جبرئیل دردناک فقال له جبرئیل ان الله لم یسجد عليك و ما من احد من خلقه الا سجد عليك منك لکنه احب ان یسمع صوتك و دعاك حتی تلقاه مستوحباً للدرجة و الثواب الذي اعد لك و الكرامة و الفضيلة علی الخلق جبرئیل میگفت بدان ای محمد (ص) که خداوند بر تو سخت نگرته است و از تو عزیزتر نزد خدا کسی نیست لکن خداوند دوست دارد بشنود صدای تو و دعای تو را تا مستحق شوی ثواب و درجهای که خدا برایت آماده ساخته و بر تمام خلق فضیلت داده است.

و اگر رسول خدا (ص) راحت بود میفرمود ای جبرئیل راحت جبرئیل عرض میکرد شکر و مدح خدا کن زیرا خداوند دوست دارد که او را حمد و شکر کنی تا عطایش را بر تو زیادتر کند. تا آخر حدیث در کتاب عدالت داعی حدیثی است از کشف حقائق جعفر بن محمد (ع) که فرمود در نزد خدای عالم درجه و منزلتی است که نمیرسد شخص بان مگر بوسیله دعای ائمه (ع) ان عند الله منزلة لا تتال الا بمسئلة ولی الکافی عنه (ع) علیکم بالذعا فانکم لا تقریون بعثه ولا ترزقوا الا بصغیرة لصفرها ان تدعوا بها فان صاحب الصغارا هو صاحب الکبیر امام صادق (ع) فرمود بر شما باد دعا یعنی خدا را خواندن و از او چیز خواستن زیرا در نزدیک کردن شما بخدا چیزی مانند دعا نیست، و ترک نکنید خواستن چیز کوچکی را زیرا دهنده کما همان دهنده بزرگها است یعنی همه چیز را از خدا بخواهید حتی نمک طعام و بند نعلین. برای انسان که مواجهه کند با خدای رب العالمین، خیلی شان

حقیقت دعا

شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب معلم اخلاق و مذهب نفوس و مستفید به اسلام و جمهوری اسلامی بود. امام خبثی

میتطلبند ندا میرسد بملاک که حاجتش رواست اما حالا ندهیدش چون ما ناله اش را دوست میداریم. مثل بعضی گداهای که در خانه ها میآیند و مدح اهل بیت علیهم السلام را میخوانند صاحب خانه چون صدایشان را دوست میدارد دیرتر حاجت آنها را روا میکند.

بخیلترین و عاجزترین و جفاکارترین خلق

حدیث شریفی است درباره عظمت شان دعا از رسول اکرم (ص) که باصحاب فرمود آیا میخواهید خبر دهیم شما را از بخیلترین و عاجزترین خلق، و جفاکارترین خلق و دزدترین و کسلترین مردم فرمود بخیلترین مردم کسی است که بگذرد بر مسلمانان و سلام نکند، این سلام چیزی نیست که دیگر در آن بخل کنند سلام صد حسنه دارد، نود حسنه برای کسی میباشد که ابتدا کند بسلام و ده حسنه برای پاسخ دهنده است، دیگر اینکه سلام باعث اتحاد و اتفاق میگردد.

و کسلترین خلق کسی است که بیکار است اما زبانش بذکر خدا مشغول نیست، ذکر خواندن که کاری ندارد، در کتاب کافی روایتی است که کسیکه در روز صدار بگوید لا اله الا الله کسی عملش از او بیشتر نیست مگر کسیکه بیشتر از او گفته باشد. و جفاکارترین مردم کسیست که اسم مرا بشنود و صلوات نفرستد و آقا که چه جفاکاری است که نام محمد (ص) را بشنودم که پدر روحانی ما میباشد و چه راه بزرگی را نشان ما داده و صلوات نفرستیم از این گذشته ذکر صلوات برای خود شخص هم ثواب دارد و در کتب روایات ثبت است.

دزدترین مردم کسیست که از نمازش بگذرد. مثلاً ذکر رکوع را درست ادانکند، رعایت طمأنینه و قرار در افعال و اقوال نداشته باشد هنوز درسجده نرسیده ذکرش را شروع نماید. نماز امانت پروردگار است و باید خیلی بان اهمیت داد فرمود عاجزترین مردم (که محل شاهد اینجا است) کسیست که از دعا کردن عاجز باشد. گرفتار باشد اما التجا نکند مثل مردمانی میباشد که نفس نمیکشد، مثل اینکه دزد در خانه کسی بریزد و او هیچ صداندهد. ای انسان جاهل شیطان از قلب تو سرقتها میکند لا اقل یک یا الله هم نمیکوشی استغاثتای، التجائی نداری! انسان که درد قلب خودش را میفهمد اگر دعا نکند پس چه هست؟ مرغ هم که تیر خورد پروبالی میزند. ما تیر خوردیم شاید ناله مامور قبول واقع شود، بیچاره کسیکه ناله هم نمیکند. حضرت زین العابدین (ع) ناله دارد که میفرماید: وارفعنی عن مصارع الذنوب یعنی گناه مرا انداخته تو مرا بلند کن غرض عظمت دعای میباشد. روایات در باب دعا زیاد است حدیثی دیگر ذکر شود.

برگشت امور بچهار چیز است

وحی رسید به آدم ابوالبشر (ع) که تمام مطالب و خیرات در چهار کلمه است، آدم عرض کرد که چیست؟ فرمود یکی را جمع به من است و یکی راجع بتو و یکی هم بین تو و خلق است و دیگری هم بین تو و من است. اول آن یکی که راجع به من است اینکه مرا عبادت نمائی و برای من شریک قرار ندهی. دوم آنکه راجع بتو است آنستکه ترا جزا دهم بآنچه را که تو کمال احتیاج بان داری سوم آنکه بین تو و من است بر تو است دعا کردن و بر من اجابت. گر گدا کامل بود تقصیر صاحب خانه چیست چهارم آنکه بین تو و مردم است آنستکه همانطور که دلت میخواهد مردم با تو عمل کنند تو هم با آنها همانطور عمل کن.

از غیر خدا دل بریدن شرط دعا است

و اما شروط دعا کردن: از مهمترین شرایط اجابت دعا آنستکه در موقع دعا حال انقطاع داشته باشد، دلش جز بخدا به هیچکس نباشد این مهمترین شرط است و کم اتفاق میافتد که خدا را حاضر و دگران را عاجز و بیکاره بداند، اگر اینطور انقطاعی حاصل شد دعایش مستجاب است. لذا یکنفر از حضرت رسول خواست که اسم اعظم خدا را بمن یاد ده حضرت فرمود دلت را از غیر خدا خالی کن و بگو یا الله.

خوردن مال حرام و آه مظلوم مانع اجابت دعا است

از شرایط اجابت دعا نخوردن غذای حرام است. لقمه حرام باعث میشود که تا چهل روز دعا مستجاب نگردد و همچنین اگر مظلومی از دست انسان ناله کند دعای ظالم مستجاب نمیشود آه مظلوم گاهی انسان را باسفل السالفین میرسد. در توارخ ثبت است که یکی از فرعونیان گوشوارهای از گوش دختری از بنی اسرائیل کشید گوش دختر خونین شد، دختر سربلند کرد و گفت یا الله تو می بینی برای همین آهها خدا مهلت را از قوم فرعون برداشت. در حالات یکی از سلاطین ایران نوشته اند که شبی خوابش نمبرک با خود گفت شاید آه مظلومی عقب سر من باشد. لباس مسدل پوشید و بیرون آمد و گردش میگردد تا آه مظلوم را بشنود از درون

است اگر سلطان ظاهری بخواهد با کسی صحبت کند آن شخص چقدر فخر میکند که من یکساعت با شاه صحبت کردم، سعادت بشر وقتی است که مواجبه با خدای بنماید، امام زین العابدین (ع) است که بخدا عرض میکند: بزرگترین نعمت که بجا مرحمت نمودی توفیق دعا کردن است و اگر نبود اذن و امر تو هیچوقت جرأت نمیکردم که ترا بخوانم و بگویم یا الله. بقدری خدا دعا را دوست دارد که به موسی (ع) میفرماید نمکت را هم از ما بخواه نه اینکه در خانه بنشین و بگو خدایا نمک بریز. وقتی دنبال نمک میروی از ما مدد بخواه. حضرت موسی (ع) وقتی دنداناش درد گرفت بدو وحی شد که گیاه مخصوصی را بردارد و بخورد تا شفا یابد مرتبه دیگر که دنداناش درد گرفت دنبال همان گیاه رفت و خورد اما هیچ اثری نکرد موسی (ع) عرض کرد چه شد که نتیجه نداد وحی رسید که مرتبه اول امید تو بما بود اما حالا به تجربه و اثر این گیاه است. حدیث شریف دیگری است که میفرماید: هیچ عملی محبوبتر نزد خدای تعالی از دعا نیست خدا دوست میدارد که از او چیزی بخواهند زیرا هر یارب تو لیبیک ماست البته اگر صلاح باشد حاجت بنده برآورده میشود و اگر صلاح نباشد بلائی از تو دور میشود یا ذخیره آخرت میشود. ایمن بلاها مأمور



کشش خلق بسوی خدایند. خوش بحال کسیکه خودش بیاد خدا باشد و منتظر بلا نباشد. و خوش بحال کسیکه پس از استجابات بازم دعا را نماند. روایات کثیره وارد شده که اگر بسلاهی عمومی بیاید مانند وبا یا شخصی مانند فقر اگر میخواهی بدانی بلاطول میکشد یا نه ببین حال التجاداری بلازود رفع میشود و اگر نداری بدان که بلا طول میکشد.

دعا موجب بالا رفتن درجه است

روایت است که در قیامت دو نفر را که عملشان مساوی میباشد در بهشت جای میدهند اما یکی درجه اش از دیگری بیشتر است آنکه عقب مانده علت عقب ماندگی خودش را سؤال میکند خداوند میفرماید که آن شخص حاجت زیاد میطلبید.

قال رسول الله یدخل الجنة رجلان کانا یعملان عملاً واحداً فیری احد صاحبه فوقه فیقول یارب بما اعطیته و کان عملنا واحداً فیقول الله تعالی ولم تسئلنی عده الداعی صفحه ۲۴ ضمناً باید توجه داشت که در دعا حالت امر نباشد بلکه التجا و نضرع باشد.

بجای دعا حکم میکنند یعنی تعیین صلاح برای خود مینمایند و میگویند باید چنین شود و چنان شود و اگر مطابق اراده و میلشان واقع نگردد اعتراض دارند. اینطور نباید کرد پس از دعا اگر حاجت را دادند شکر کن و اگر ندادند صبر کن گدا را با گردن کلفتی چکار؟ همین اندازه که رد نمیکند بس است همین اندازه که ترا نگاهشانند زهی شرف و افتخار. حضرت باقر (ع) فرمود بعضی از بندگان خدایند که حاجت

مسجدی نالغای شنید که میگوید: ای خدا تلافی کن از سلطان. داخل مسجد شد و گفت من شاهم بگو چه ظلمی در حق تو شده است. مرد گفت یکی از لشکریان هربش میاید با زور با زن من جمع میشود. شاه بدرون خانه آمد رفت و چراغ خاموش کرد و آن لشکری را کشت پس از روشن کردن چراغ سجده شکر را بجای آورد.

صاحب خانه سؤال کرد چرا چراغ را خاموش کردی و برای چه سجده شکر را بجای آوردی؟ گفت برای این چراغ را خاموش نمودم که اگر پسر هم باشد او را بکشم و سجده شکر برای این بود که دیدم پسر نیست.

حسن ظن بخدا

دیگر از شروط دعا حسن ظن کامل و اعتماد بخداوند است و شکی نداشته باشد که حاجت او بهر بزرگی باشد در مقابل قدرت خدا هیچ است (حضرت صادق (ع) میفرماید وقتی دعا میکنی فکر کن که حاجت دم در است) دعا شروط زیادی دارد اما در مقابلش خدای تعالی دستگای درست کرده یعنی اوقات معین فرموده که اگر آن شروط هم نباشد دعا اثر میکند. یکی ثلث آخر شب. دیگر سدس دوم از نصف دوم که در این وقت اگر نماز بخواند و حاجت بطلد مستجاب است دیگر موقع زوال یعنی ظهر است دیگر موقع غروب است خصوصاً در شب جمعه و ساعت آخر روز جمعه که از مواقع استجاب دعا میباشد. روایتی است که فضا نقل کرده که حضرت زهرا (ع) در محراب بود و مرا روی بام میفرستاد که هر وقت قرص آفتاب غروب کند حضرت را مطلع نمایم.

آداب مقدماتی دعا کردن

رعایت طهارت ظاهری و باطنی از آداب و مقدمات دعا میباشد. بدن و لباس باید موقع دعا پاک و تمیز باشد و غسل کند یا وضو بگیرد (از غسلهای مستحب، غسل حاجت است) اما طهارت باطن موقع دعا بایستی قلب را پاک کند. مثلاً اگر کینه یا سوءظن بمسلمان دارد از دل خود بیرون نماید یا اگر گناه کرده توبه نماید.

در روایت است که حضرت داود (ع) وقتی میخواست به صحرا برای مناجات برود از یک هفته قبل مقدمات آنرا فراهم مینمود مثلاً یک هفته روزه میگرفت. بالجملة اگر قلب حاضر نباشد درست نمیشود و چون نظر خدا بدل است باید قلب را پاک نمود و بعد روی سوی او آورد. حدیثی است از حضرت صادق (ع) که فرمود در بنی اسرائیل یک نفر بود سه سال دعا میکرد که خدا پرسی باو بدهد دعایش مستجاب نمیکرد پس از سه سال گله کرد که پرورد گارا سه سال است دعایم مستجاب نمیشود؟! شب در عالم رؤیا کسی باو گفت تو سه سال خدا را میخوانی با زبانی که با ن فحش و سخن ناروا میگوئی و با دل سرکش و ناپاک و با نیست نادرست پس باید زبانت را از سخن ناروا نگه داری، و در دلت خوف خدا

باشد یعنی خاشع برای خدا باشد و نیت خود را نیکو کن تا دعایت مستجاب شود. پس آنمرد عابد بکمال زبان و دل خود را اصلاح نمود و خدا هم دعایش را مستجاب فرمود و فرزندی پندو عنایت نمود. آنکه تدهو الله بلسان بذي و قلب صات غیر نفسی ونیسه غیر صادق فافعل عن بذانک و لیتق الله لیبک ففعل الرجل فولد له غلام. صاحب کتاب عده الداعی پس از نقل این حدیث چهار شرط برای استجاب دعا بیان نموده.

اول زبان را از گناه پاک کردن.

دوم قساوت قلب نداشتن.

سوم حسن نیت داشتن، و مراد در اینجا حسن ظن است یعنی به پروردگار خود حسن ظن داشته باشد باینکه دعای او را مستجاب خواهد فرمود و اگر تأخیری حاصل شود برای مصلحتی میباشد که از آنجمله است اصلاح نمودن بنده حال خود را.

چهارم توبه از گناه است، یعنی پیش از دعا از هر گناهی که داشته پشیمان گردد و توبه نماید.

از جمله آداب دعا صدقه دادن قبل از دعا میباشد هر اندازه میتوانست منانطور که در قرآن مجید میفرماید: لیتفق ذو سعة من سعة و من قدر علیه رزقه فلنلقی ما آتاه الله. سوره الطلاق آیه ۸ یعنی: باید صاحب مال و ثروت از ثروتش انفاق کند و کسیکه معیشت او تنگ شده و فقیر است، پس از همان که خدا باو داده انفاق کند. از طرف خدا امر شد که هر کس با رسول الله (ص) نجوی نماید، صدقه دهد تنها کسیکه با ن عمل کرد حضرت امیر (ع) بود بعد این آیه منسوخ گردید. بالاخره چون صدقه دل را شاد میکند خدا هم دل صدقه دهنده را شاد خواهد فرمود. و نیز قبل از دعا عطر باید زد.

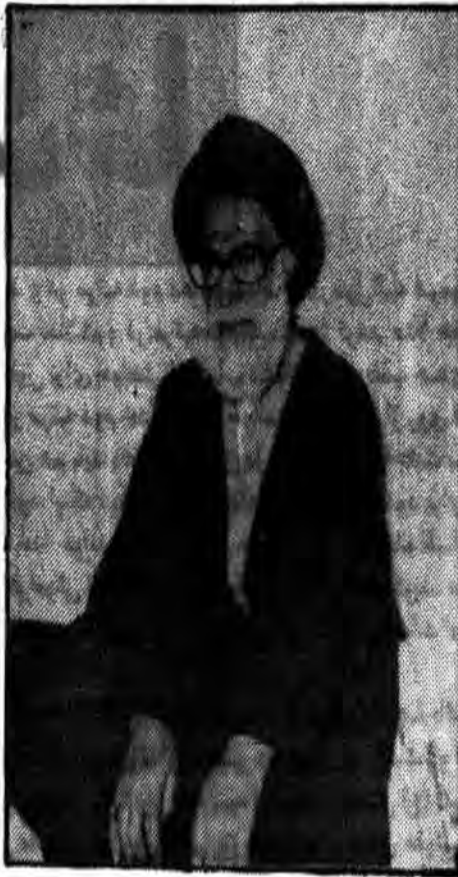
شتاب در دعا نباید کرد

پس از دعا نباید استعجال در اجابت نمود و نگویید چرا طول کشید بلکه با کمال صبر و قرار دست از دعا برندارید. گفت پیغمبر که اگر کوبیدی عاقبت زان در برون آید سری متوجه باشد که میخواهد با خدای عالم صحبت کند عجله نداشته باشد. در نماز هم نباید شتاب و عجله داشته باشد.

روایت است که اگر پس از نماز کسی زود بلند شود نادمیرسد بنده مابماکاری نداشت. باید بعد از نماز، مشغول تقوی بود مخصوصاً برای زیادتی رزق خوب است.

حاجت را باید بزبان آورد

دیگر از آداب دعانصریح بحاجت است یعنی حاجتی را که میخواهد باید نام ببرد. مثلاً اگر مدیون است بازبان بگوید و اگر عربی



میداند بهر بی بگوید و اگر نمیداند بفارسی فرق نمیکند بهر زبانی میخواهد باشد خلاصه خداوند دوست میدارد که حاجت را بزبان جاری نماید. گرچه خدا دانای آشکار و نهان است.

در دعا باید جدی بود والحاح نمود

دیگر از آداب دعا الحاح است، فارسی الحاح سماجت است گداه را دیدماید؟ هر گدائی بیشتر سماجت کند بهتر و پیشتر کامروا میگردد.

روایات کثیرای است که خدای تعالی یک صفت را

برای خود اختصاص داده که خلق جز برای خدا برای کسی دیگر انجام ندهند و آن الحاح در سؤال است. خدا دوست میدارد که بندگان در خانه خودش سماجت کنند نه در خانه دیگری مثل خود. حیف باشد که انسان برای حاجتی در خانه بنده ضعیفی الحاح کند. خسته نشدن و ملول نگردیدن و باوقار و طمانینه بودن همه از آداب دعا میباشد.

دیگران را هم باید در دعا شریک نمود

از جمله آداب دعانستکه دعای عمومی کند مثلاً اگر قرض دارد فقط برای اداء قرض خود دعانکند بلکه برای اداء بدهکاری همه مؤمنین دعا کند. یعنی بجای کلمه من، ما گفته شود مرحوم مجلسی رحمه اله علیه میفرماید: دعاهائی مانند اللهم اهدنی من عندک را اللهم اهدنا جائز است بخواند.

همه بنده یکی هستند دیگران را هم در دعا باید جزء و شریک نمود تا بواسطه آبروی دیگران خداوند حاجت دعاکننده را قضا فرماید.

دیگر از آداب دعا اعتماد بقدرت خدای تعالی است یعنی وقتی حاجتی میطلبد متوجه باشد که این حاجت برای خدا انجامش آسان است. آیا حاجت تو از مرده زنده کردن بالاتر است؟ بقدرت خدا در همان حین اعتماد کن و دعا نما و بییقین بدان اگر صلاح باشد انجام خواهد گرفت.

داستانهاست که افرادی در قبر پس از سخته بهوش آمدند و خداوند آنها را بوسائلی نجات بخشید که نقل آنها موجب طول کلام است.

در نجف اشرف شخصی بوده بنام شیخ محمد حسن قمشه ملقب به (از گور گریخته) داستانش چنین بوده که در جوانی میمیرد. مادرش که همین یک پسر داشته پشت بام منزل رفته و دعا میکند که ای خدا من همین یک پسر دارم او را بمن بازگردان آنقدر التجا و الحاح نمود که در همانحال فرزندش زنده شد انجام چنین حاجات برای خدا مهم نیست. مثل آنست که بدر خانه حاتم طائی بروی برای دهشاهی. یا کسی برود نزد کرمی که لب دریاست و طلب جرعه آبی کند. خلاصه دعاکننده باید قدرت حق را در نظر داشته باشد و بداند که هر چه بخواد در یک چشم برهم زدن ممکن است انجام پذیرد.

فقیر غنی شود، ضعیف قوی گردد، حاجتهای آخرتی هم همینطور فردی که آلوده بانوبه گناه است بطوریکه دلش را سیاه و قساوت دار کرده است و در حقیقت مرده یا نزدیک است که بمیرد. خداوند بیک طرفهالعین قلب سیاه او را پاک و دل مردماش را زنده مینماید. از روی قلب باید الفوق گفت بگوچگی خود نباید نگاه کرد بزرگی خدا را باید در نظر داشت در کتاب سفینة البحار از حضرت صادق (ع) نقل کرده پس از آنکه یونس نبی (ع) بواسطه ترک اولی که از او صادر شد، در شکم ماهی زندانی گردید و ماهی در حرکت بود تا رسید بجاییکه قارون آنجا بود قارون صدای تازه ای شنید از ملکی که مأمور او بود پرسید این صدای چیست؟ گفت یونس نبی است که در شکم ماهی میباشد گفت اذن میدهی با او سخنی گویم؟ مملک او را اجازت فرمود

پس از یونس پرسید هرون در چه حالیت؟ گفت از دنیا رفته است، از حال موسی پرسید گفت او هم مرده است قارون بسر هردوگریست، خداوند وحی فرمود بان ملک که عذاب قارون را کم کن سبب ترحمی که بر آقارب و بستگانش نمود و در روایت دیگر است که قارون یونس گفت توبه من بدست موسی (ع) بود و من باو رجوع کردم و نذیرت و تو اگر بخداوند رجوع کنی و توبه نمائی در اول مرتبه تو را میبذیرد.

این کلام قارون، راجع باین است که چون گناه قارون مخالفت با موسی (ع) و تهمت زدن به آن بزرگوار بود لذا توبعاش منحصر با نه تحصیل رضایت موسی (ع) بود ولی گناه یونس (ع) همان حالت نارضایتی او از قضا الهی و نازل نشدن بلا بر قومش بود بنابراین طرف او خداوند کریم است که هر گاه بنده گناه کار رجوع باو کند در همان مرتبه اول او را خواهد پذیرفت.

غرض از نقل این روایت بیان حسن ظن بحضرت آفریدگار است که بنده هر چه و هر که هست هیچوقت نباید از خدای خود مأیوس شود و بداند که یاس از رحمت الهی خودش گناه کبیر مایست که قریب بکفر میباشد و در امید بهرورد گارش قوی و محکم باشد خلاصه باید موقع دعا مطمئن بود که خدا دعا را مستجاب میکند. از فرعون بدتر که نیست که ادعای خدائی میکرد، خدا دعای او را هم مستجاب کرد و رسوایش نکرد تا روزیکه با لشکریانش غرق شدند در بحار الانوار جلد پنجم روایتی نقل کرده خلاصه آنکه وقتی آب رود نیل کم شد، مصریان گفتند از وقتی فرعون دعوی خدائی کرده آب کم شده، فرعون با لشکریانش بیرون شد و تنها کنار رود میرفت تا بجایی رسید که کسی او را نمیدید، بخاک افتاد و بدر گاه آفریدگار تضرع مینمود و عرض میکرد خداوند من میدانم که دروغ میگویم اما من از تو آخرت نمیخواهم بلکه ریاست دنیا را میخواهم و تو مرا رسوا مکن و آب جاری فرما. بالاخره آب جاری گردید و مراجعت بقوم خود نمود. کسی نگویید که اجابت دعای فرعون سبب گمراهی مردم شد و نباید چنین شود، زیرا صدحا خرق عادت هم اگر از فرعون سر میزد بطلان دعوی خدائی او آشکار نبود، زیرا هر عاقلی میفهمد که فرعون بشر، مخلوق عاجزی مانند دیگرانست. بلی اجابت دعای فرعون فتنه و آزمایش مصریان بوده است

دعاء دستجمعی مستجاب است

دیگر از آداب دعا، دعا در اجتماع است. نمیشود چهل نفر دعا نمایند و دعا ایشان مستجاب نگردد. هر چه عده بیشتر باشد تاثیر دعا بیشتر است، وقتی چهل دل پاک یا الله بگویند چطور دعا مستجاب نمیشود؟ در قضیه مسأله حضرت رسول الله (ص) تنها نیامد، بلکه باعلی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله علیهم آمد. خدا دوست دارد دعا با اجتماع باشد. حضرت صادق (ع) میفرماید: پدرم باقر العلوم (ع) هر وقت حاجت مهمی داشت اهل منزل را جمع مینمود حتی گنیز و غلام را و میفرمود من دعا میکنم شما آمین بگوئید. منظور آنست در دعا اجتماع باشد بهتر است، چه همه باهم بخوانند و چه بکفر بخوانند و سبیه آمین بگویند حضرت سجاد (ع) روز آخر ماه مبارک رمضان غلامان و کنیزان را جمع میفرمود و در وسط آنها قرار میگرفت و میفرمود: در باره من دعا کنید و از خداوند برای من طلب عفو و مغفرت نمایند. در روایت فرموده اند: اگر برای دعا چهل نفر نوبدید ده نفر جمع گردید و هر نفر چهار مرتبه دعا بخوانید و اگر ده نفر هم نباشد چهار نفر و هر یک نفر ده مرتبه دعا بخوانید و اگر یک نفر هستی خودت چهل بار بخوان.

حمد و ثنای خداوند پیش از دعا

از جمله آداب و شرائط دعا آنستکه در ابتداء دعا حمد و ثنای خداوند را بجای آورد. مثلاً یک فصل یا چند فصل از دعای جوشن کبیر را بخواند. باین دعا را که از حضرت امیر المومنین (ع) نقل شده بخواند: یا من هو القرب الی من حبل الوریذ یا من یحول بین العره و قلبه یا من هو المنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء پس از بجای آوردن حمد و ثنای پروردگار شروع کند با قرار بگناهان و استغفار از آنها و بشمارد نعمت های خداوند را. دعا، عرّفه حسین (ع) همه از نعمتهای پروردگار یاد مینماید و عرض میکند: پروردگارم از شکم سار باین نسیا آوردی نعمتهادای بابی دادی و مثل دعای ابو حمزه که حضرت سجاد (ع) عرض میکند: سیدی انالصفیر الذی رببته و اتا لجاهل الذی علمته و اتا الضال الذی هدیته و اتا الوضیع الذی علمته: آقا من، من خرد بودم مرا تربیت نمودی جاهل بودم دانایم گردی، گمراه بودم هدایتم فرمودی پست بودم مرا بلند قرار دادی.

از حضرت صادق (ع) سؤال شد چرا هر چه دعا میکنیم مستجاب نمیشود؟ فرمود برای اینکه شرائطش را بجا نمیآورید. دیگر از شرائط و آداب دعا فرستادن صلوات است چون محمد (ص) و آل او علیهم السلام اولاً حق بگردن همه دارند و ثانیاً بواسطه شان ایشان، انسان صاحب شان میشود.

زلیخا بواسطه حب محمد (ص) محترم میشود

از حضرت صادق (ع) مرویست که پس از آنکه یوسف نبی (ع) بتخت سلطنت مصر رسید، زلیخا پسر و شکسته شده بود و اموالش را هم از دست داده بود. یک روز بیک نفر گفت برو پیش یوسف و بگو زلیخا میخواهد با تو یک جلسه صحبت کند آن شخص امتناع کرد و گفت: تو چطور رویت میآید با آن همه اعمال دوباره با یوسف هم صحبت گردی؟! زلیخا گفت حضرت یوسف اهل دنیا نیست، از خدا میترسد لذا بمن سختگیری نخواهد نمود بالاخره آن شخص بحضرت یوسف عرض نمود که زلیخا میخواهد شما را ملاقات نماید حضرت یوسف اجازه داد. وقتی زلیخا یوسف را دید گفت: شکر خدایا که بواسطه اطاعت مستند عزیز مصر را از آن تو قرار داد و عزیز مصر را بجهت نافرمانی خدا پست فرمود. یوسف از معاشرت

حقیقت دعا

بقیه از صفحه ۱۱

زلیخا با خودش سخن گفت زلیخا در جواب عرض کرد: حسن و جهک یعنی جمال تو مرا دلداده تو نمود. فرمود اگر جمال پیغمبر آخر الزمان که ظاهراً و باطناً از من بهتر است میدیدی چه میکردی؟ زلیخا عرض کرد راست میفرمائی یوسف فرمود از کجا میدانی زلیخا عرض نمود نامش را که شنیدم محبت او در دلم جای گرفت فوراً جبرئیل بر حضرت یوسف نازل شد و گفت خدای عالم میفرماید: ما زلیخا را دوست میداریم چون دوست میدارد محمد (ص) را شمس و قمر در زمین شش تابند. نور تابند مگر جمال محمد(ص)

پس ندا رسید بحضرت یوسف (ع) که بایستی با زلیخا ازدواج کنی و یوسف با زلیخا ازدواج نمود.

حاجتهای سه گانه سلمان

سلمان فارسی فرمود چنانچه یکی از شما با سلطان کاری داشته باقارب و نزدیکان سلطان رجوع مینماید تا کارش را انجام دهند. در اینجا حضرت سلمان میفرماید: در دستگاه الهی شرف هیچکس مانند حضرت ختمی مرتبت نیست. باو و خاندان او التجا نمائید تا حاجات شما برآورده گردد. چند نفر از منافقین بسلمان اصرار نمودند که اگر راست میگوئی از خدا بخواه تا ترا غنی ترین مردم قرار دهد سلمان فرمود: من از خدا سه چیز را خواستم اول زبانی که مرا بذر خدا مشغول دارد.

دوم قلبی که برای خدا خاشع باشد.

سوم آنکه در شدائد دنیا و زحمتیکه بیدنم وارد میآید صابر باشم و خداوند آنچه را خواستم بمن مرحمت فرموده و آنچه را خدا بمن مرحمت فرموده افضل است از تمام ملک دنیا و آنچه در آنست یکصد هزار هزار مرتبه. خلاصه مقصود آنست که از شرائط دعا فرستادن صلوات است و دعائیکه اول و آخر آن صلوات باشد قبول میگردد، زیرا صلوات از دعاهای مقبوله است و چون اول و آخر دعائی قبول گردد وسط آنهم قبول میشود. از شب پنجشنبه تا عصر جمعه ملائکی بزمین میآیند برای ثبت صلوات کسانیکه صلوات میفرستند. یک نفر بحضرت صادق (ع) عرض نمود وقتی بکعبه مشرف شدم هیچ دعائی در آنجا یاد نیامد جز صلوات بر محمد (ص) و آل او علیهم السلام حضرت فرمود هیچکس از آنجا بیرون نیامده که بیش از تو ثواب و بهره برده باشد یعنی صلوات بر محمد (ص) و آلش افضل از تمام دعاهای است هر کس به محمد (ص) علاقه دارد این علاقه از بین نمرود ولو بهجهنم برود روایت است وقتی بهجهنم میرود بیرون نیامد تا وقتی که خدا را به محل (ص) و آل او قسم بدهد انوقت خدا او را نجات میدهد.

خشوع و اقبال قلب از شرائط دعا است

دیگر از آداب دعا آنستکه قلب خود را خاشع کند و وسائل دلشکستگی خود را فراهم نماید. قلب اگر خاشع گردید دعا مستجاب میشود. حتی میفرماید برو در قبرستان و با مردها تکلم نما شاید حالت تغییر نماید و همچنین اقبال قلب، آنهم از شرائط مهمه دعا میباشد. معنی اقبال این است که مطلبی را که از خدا طلب مینماید با دل بخواهد نه فقط با زبان. چون زبان مترجم دل است، تشنه حقیقی وقتی میگوید آب میخواهم برایش آب میآورند اما آدم خواب هر چه بگوید آب کسی جوابش نمیدهد همچنین در دعا باید قلب کار نماید مثلاً کسیکه خانه و زندگی او در معرض خطر سیل قرار گرفته چگونه استغاثه مینماید یا شخصی که سوار کشتی شده و دریا طوفانی گردیده چگونه خدا را میخواند و همچنین آدمی که بفرگ مرگ است و سگرت موت را در نظر دارد از صمیم دل دعا مینماید و خدا را میخواند.

امیرالمؤمنین (ع) میفرماید: لا یقبل الله عزوجل دعا قلب لاه یعنی خدا مستجاب نمیکند دعا کسیکه دلش غافل است. حدیث دیگری است که ندا میرسد بحضرت عیسی (ع) سخوان ما را مگر وقتی که گریه و زاری داشته باشی. در کتاب شریف کافی حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل نموده که فرمود اذ دعا احمدکم للمست فلا یدعوه و قلبه لاه ولکن لیجتهد فی الدعاء خلاصه معنی حدیث این است که وقتی یک نفر از شما برای مرده دعا مینماید باید جدی دعا نماید و با قلب غافل دعا نکند. مثل تعارفاتی که در مجالس ترخیم بین مردم متداول است اینگونه تعارفات برای میت بیچاره نتیجه درستی ندارد. مرحوم مجلسی میفرماید: چون این تعارفات بین مردم متداول است لذا امام (ع) میفرماید اینگونه تعارفات برای میت اثری ندارد. بلی اگر بنشیند فکر گرفتاری مادرت در عالم برزخ بنمائی و از صمیم دل با اجتماع شرایط دعا برای او طلب آموزش کنی خداوند هم در برزخ برای او فرج مینماید.

پیغمبر و دعای باران

در کتاب کافی نقل نموده که در زمان خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) باران تاخیر کرد، اصحاب آمدند خدمت رسول اکرم عرض نمودند یا رسول الله دعا کن تا خدا باران رحمت خود را نازل فرماید

رسول الله (ص) دعا کرد ولی مستجاب نشد و باران نازل نگردید مرتبه دیگر التجا نمود امیری ظاهر شد و باران شد. اصحاب از حضرت سوال کردند علت چه بود که مرتبه اول دعاهای مستجاب

نگردید و در مرتبه دوم دعا مستجاب شد رسول الله فرمود مرتبه اول نیت نداشتیم و در مرتبه دوم بایستی دعا کردم. مثلاً حضرت در مرتبه اول برای خواهش اصحاب دعا نمود و طلب جدی نداشت ولی در مرتبه دوم جداً از خدا خواست و دعایش از روی قلب بود. مؤمن هم باید دعایش از روی دل باشد تا مورد اجابت باری تعالی واقع شود اینکه دیدهایم اکثر دعاهای مستجاب نمیشود برای آنستکه باقلب خدا خوانده نمیشود پس خلاصه دعا کننده اقبال قلب را نباید فراموش نماید ولو اینکه بخواهد یک یا الله بگوید. دو رکعت نماز یا تدبیر بهتر است از اینکه از سربش تاصبح بخواند اما بدون حضور قلب.

ام داود خدمت حضرت صادق (ع) رسید و راه چارهائی برای آزادی فرزانش از زندان منصور دوانیقی خواست (او از سادات حسنی و برادر رضا (ع) امام بود) حضرت صادق (ع) فرمود: ایام البیض ماه رجب را روزه بگیر روز پانزدهم در جای خلوتی پس از نماز ظهر و عصر و نوافل آنها و خواندن صد مرتبه حمد و ده مرتبه آیتالکرسی و قرائت سوره هائی از قرآن که امام تعیین فرمود این دعا را بخوان. و اعمال ام داود در نیمه رجب مشهور و در سرعت اجابت مسلم و مجرب است و در کتاب مفاتیح الجنان و غیر آن بتفصیل نوشته شده خلاصه آماده بود بدستور امام عمل نمود و خداوند همانشب پسرش را نجات داد و باشتر سریع السیر بمادرس رسانیدند.

هر چیز انسان از خدا میخواهد باید با التفات و حضور قلب باشد یک سبحان الله باحضور قلب بهتر است از هزار ذکر بدون حضور قلب.

دیگری را بر خود مقدم داشتن

از اموری که سبب اجابت دعاست دعاست مقدم داشتن طلب حاجات برادر دینی بر خود است. معصوم میفرماید: اگر متوجه شدی که یکی از مؤمنین بندرت تو گرفتار است خودت را رهانما و در حق او دعا کن. البته از روی حقیقت نه از روی زور و ساختگی یعنی: در اثر علاقه و محبت ایمانی که بان دارد بطوریکه درد او را درد خود بداند و راحتی او را راحتی خود بداند و اگر چنین بود خدا حاجات خود را بر او بر آورده میفرماید در کتاب عدّه الداعی نقل کرده از علی بن ابراهیم او از پدرش که گفت دیدم عبدالله جناب را در روز عرفه در عرفات که تسابرو بود دستش را با آسمان بلند کرده و اشک از چشمانش ریزان بود چون مردم کوچ نمودند گفت امروز کسی را نیکوتر از تو در عرفات ندیدم در جواب گفت بدخدا سوگند دعانکردم مگر برای برادرانم زیرا مولایم موسی بن جعفر (ع) مرا خبر داد و فرمود هر کس دعانماید برای برادر دینی خود ندا میرسد از عرضش برای تو میباشد یکصد هزار برابر، پس خوش نداشتم یکصد هزار دعا ضمانت شده راترک نمایم برای یکی که نمیدانم مستجاب است یا نه یعنی اگر برای خود دعا میکرد یکی بود آنهم مشکوک بود که مستجاب بشود یا نه لکن چون التجا و دعا برای برادر نمودم برای خودم یکصد هزار است آنهم مستجاب، چون ملک دعا مینماید دعا ملک هم رد نمیشود.

ناگفته نماند که مستفاد از روایات آنستکه دعا درباره برادر دینی گاهی مثل آنرا بخودش میدهند، و گاهی دوسر برابر و گاهی چند برابر، تا یکصد هزار برابر، و این اختلاف باعتبار ضعف و قوت ایمان و محبت قلبی دعا کننده است و چون عبدالله بن جنید از بزرگان اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده است مناسبت جلالت قدر و مقامی که در محبت الهی داشته همان یکصد هزار میباشد. و نیز از زید نرسی روایت کند که گفت با معاویه بن وهب در عرفات بودم و مشغول دعا بود، و چون استماع دعایش را نمودم دیدم برای خودش چیزی نمیخواهد و اسم مؤمنین و پدرانشان را میبرد و برای آنها دعاهای میکند، چون سبب آنرا از او پرسیدم گفت شنیدم از مولایم حضرت صادق (ع) که فرمود

در غیاب برادرش برای او دعا کند ملکی از آسمان او ندا کند برای تو یکصد هزار برابر باد، و ملکی از آسمان دوم گوید برای تو دویست هزار برابر باد، و ملکی از آسمان سوم گوید برای تو سیصد هزار برابر باد، تا اینکه فرمود ملکی از آسمان هفتم گوید برای تو هفتصد هزار برابر باد، سپس خدای تعالی میفرماید: برای تو سیاد هزار هزار برابر و اشکار است این مرتبه برای دعا کننده میباشد که دعایش از آسمان هفتم هم تجاوز نماید.

بحث بداء

در خاتمه بحث دعا جواب از شبهه ای که بدعا کردن وارد کرده و داده شده و آن شبهه و اشکال این است که آنچه را آدمی میخواهد یا مصلحت دار است که خداوند باو خواهد داد چه دعا کند یا نکند و عبارات دیگر مقدرات تغییر پذیر نیست و بنابراین در دعا کردن اثری و خاصیتی نیست.

از این شبهه جو ابهائی داده شده که بسیارهای از آنها اشاره میشود اولاً جمیع مقدرات حتمیه نیست بلکه پارهای از آنها معلق و متوقف بر دعا و صدقه است و بوسیله دعا و صدقه واقع میشود یا بلا واقع شده رفع میگردد و عبارات دیگر پس از دعا و صدقه مصلحت دار میشود مانند قوم یونس (ع) که بلا نزدیک آنها شد لکن بسبب تضرع و دعا و توبه آنها آن بلا برطرف گردید و

اینمطلب همان مسئله بداء است که اعتقاد بان واجب است و چون مسئله بداء از خواص مذهب شیعه است و ائمه علیهم السلام تأکید بسیاری بر اعتقاد بان فرموده اند و در دانستن و اعتقاد بان فوائد عظیمه ایست لازم است در این مختصر شرحی از حقیقت بداء ذکر شود تا عموم مؤمنین از این فیض عظیم بهره مند شوند.

بداء عبارت است از تغییر دادن در امور تکوینی و سرنوشتها و حالات بشریه مانند بداء پس از عاقبت و عاقبت پس از بداء و صحت پس از مرض و مرض پس از صحت و غایب پس از فقر و فقر پس از غنا و ثنیر پس از عسر و سختی پس از آسانی. تا طول عمر و کوتاهی آن یعنی: تقدیم اجل و تاخیر آن

مثلاً شخصی از مکان بلند بر زمین میافتد که قاعده باید بمیرد لکن چون قبلاً صلح رحم کرده یا صدقه داده نمرود و اجلس بتأخیر افتاد و بالعکس شخص دیگری در کمال عاقبت است لکن در اثر قطع رحم یا بعضی از گناهان کبیره که از او صادر شده با اینکه قاعده یعنی بر حسب جریان طبیعی نباید بمیرد لکن دچار مرگ ناگهانی میشود و سبب اینکه این نوع تغییرات الهی را بداء نامند آنستکه بداء بمعنی ظهور و آشکار شدن میباشد. یعنی خداوند آشکار میفرماید امری را که بر مردمان پوشیده بود و احتمال آنرا نمیدادند مثلاً بیمار سختی که دکترها احتمال عاقبت او نمیدهند هر گاه بوسیله صدقه یا دعا خداوند او را عاقبت بخشید گفته میشود از طرف خداوند بداء شد یعنی: تغییر داده شد و آشکار شد عاقبتی که احتمال آن داده نمیشد و خلاصه بمعنای بداء و یسبب، یعنی: محو و نابود میکند خداوند آنچه را بخواهد و ثابت و برقرار میدارد هر چه بخواهد، و سر و وجوب اعتقاد بداء و اجر و فوائد عظیمه مترتبه بر آن آنستکه اعتقاد بداء وسیله پیدایش حالت خوف و رجا است که از لوازم توحید و ایمان میباشد زیرا مؤمن در حال نعمت و عاقبت از هر گناهی ترسناک و پرهیز کننده است یعنی

میترسد از اینکه گناهی از او سرزند و بسبب آن از طرف خداوند بداء شود و نعمت عاقبت از او گرفته شود و در حال بلا و گرفتاری و شدت به پروردگار امیدوار است یعنی امید دارد که از طرف پروردگار بداء شود و بوسیله صدقه و دعا بلا مرتفع گردد و پس از دانستن اینمطلب بخوبی آشکار میشود فرمایش امام صادق (ع) در روایتی که در اصول کافی است: لو علم الناس مافی القول بالبداء من الاجر ما فتروا عن الکلام فیه یعنی: اگر مردم بدانند اجری را که در اعتقاد بداء است از سخن گفتن در آن سست نمیشدند یعنی غالباً از بداء سخن میگفتند و از تغییرات الهی گفتگو میکردند و در حدیث دیگر میفرماید: ما عبدالله بشی مثل البداء یعنی: پرستش نشده است خداوند بیجیزی مانند بداء زیرا بیشتر مصالح عباد و مراتب پرستش پروردگار

در اعتقاد بداء است چون اگر اعتقاد بداء نباشد ترک میکند دعا و صدقه و سایر اعمال خیریه را پس از سعادت های عظیمای محروم میماند و از سختیها و گرفتاریها نجاتی نمی یابد، و نیز حالت خوف و رجا که از لوازم قطعیه ایمان و توحید آفریدگار میباشد در عید پدید نیآید و ایمانش هم ناقص خواهد ماند و بالجمله انکار بداء و گفتن اینکه هر چه مقدر شده واقع میگردد و تغییر پذیر نیست و امورات طبق جریان عادی و از روی اسباب و علل صورتی خلف پذیر نمیشد غلط و موجب نقص در ایمان و محرومیتها میباشد و نیز انکار آیات قرآن مجید و واقعیات و روایات مستواته میباشد زیرا

مستفاد از آیات و روایات آنستکه مقدرات بر دو قسم است: حتمیه و غیر حتمیه یعنی معلقه مثلاً در باب اجال گوئیم هر فردی دو نوع اجل دارد: یک اجل حتمی یعنی حدی از عمر که اگر بان رسید از آن تجاوز نخواهد کرد و بیهج وسیلهای مرگ او تأخیر نمیشد و اجل های معلقه ای هم دارد یعنی پیش از رسیدن باجل حتمی حوادث کشنده ای در پیش دارد که ممکن است بسبب آنها بمیرد لکن ممکن است بوسیله دعا و صدقه و صلح رحم و سایر اعمال صالحه مرگ او تأخیر افتد و از آن حادثه نجات یابد و خلاصه ممکن است باین وسیلهها خداوند مرگ او را بتأخیر بیاندازد تا باجل حتمی برسد و بمیرد و چنانچه ممکن است بوسیله ترک دعا و بخل کردن از انفاق و قطع رحم نمودن و سایر گناهان مرگ او جلو افتد و باجل هائیکه موقوف و معلق بر ترک کارهای شایسته بود بمیرد و از این بیان بخوبی دانسته میشود که سرنوشت هر فردی تا اندازه ای بدست خود او هست. بلی آدمی بوسیله طاعات و کارهای شایسته عمر خود را طولانی یا بسبب گناهان کوتاه مینماید فی الحارقال امیرالمؤمنین (ع) صوت الانسان بالذنوب اکثر من موته بالاجل و حیوته بالبر اکثر من حیوته بالعمر - امیرالمؤمنین (ع) فرمود مردن انسان بسبب گناهان بیشتر است از موتش باجل حتمی و زندگی او بسبب نیکی کردن بیشتر است از زندگی بسبب عملاً بسببکی از گناهان

اسراف در خوراک است بحسب کمیت یا کیفیت. چه اشخاصیکه بسبب این گناه خود را بیمار میسازند تا جائیکه عمر خود را کوتاه میسازند و پیش از رسیدن باجل حتمی میمیرند.

و آنچه درباره اجل ذکر شد درباره صحت و مرض و فقر و غنا و عزت و ذلت و غیر اینها جاری میباشد یعنی همه این امور و تغییرات و تحولات و کم و زیادی آنها و تقدیم آنها تماماً از خداوند است لکن سبب آنها رفتار و کردار و گفتار و حالات آدمی است و شرح و تفصیل این مطلب موجب طول کلام است و در آنچه گفته شد کفایت است و ناگفته نماند آنچه گفته شد که سرنوشت آدمی بدست خود او میباشد تنها راجع بزندیگی دنیوی او نیست بلکه مقدرات و سرنوشت زندگی آخرت هم بدست خود انسان است مثلاً عاقبت بخیری و با ایمان مردن و اهل نجات شدن تراسیدن بمقامات و درجات روحانی عموماً بستگی باعمال خود انسان دارد بلی انسانیکه از یاد خدا اعراض کرد و جبری و بیسی بساک